



مدرسه عالی ترجمه

نشریه شماره ۵

نفوذ عقاید آریائی

در

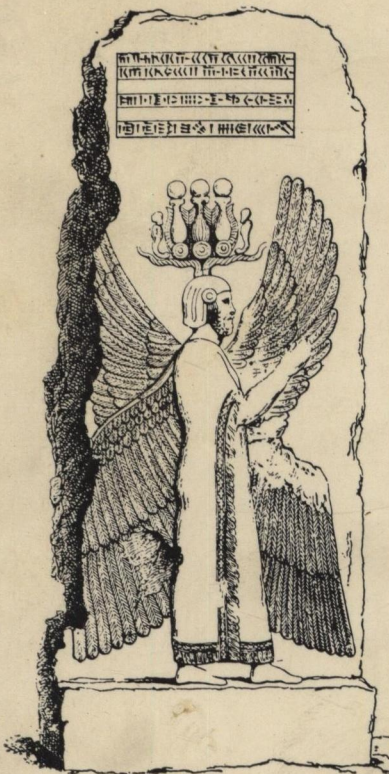
دین یهود و مسیحیت

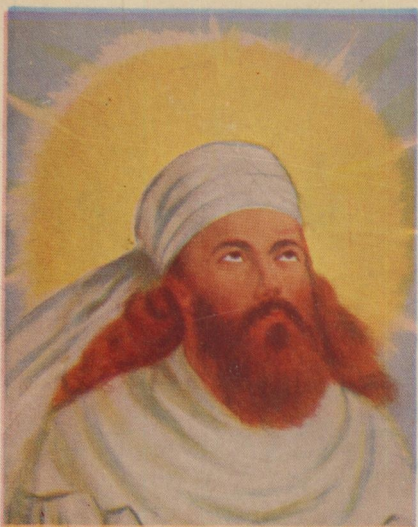
نگارش:

عباس آریانپور کاشانی

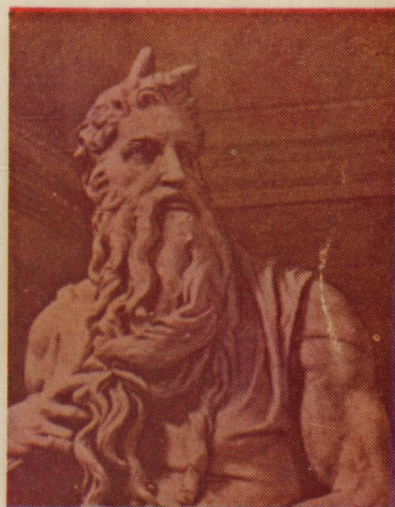
و

دکتر منوچهر آریانپور کاشانی

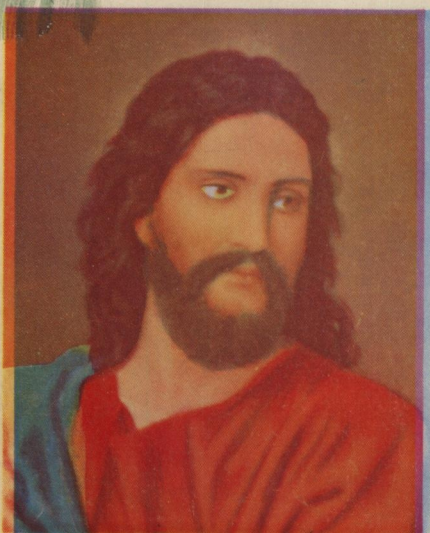




اشوزرتشت پیامبر ایران



حضرت موسی



حضرت عیسی



اسکن شد



مدرسه عالی ترجمه

نشریه شماره (۵)

نفوذ عقاید آریائی

در

دین یهود و مسیحیت

نگارش :

عباس آریانپور کاشانی

و

دکتر منوچهر آریانپور کاشانی

چاپ افست گلشن - تهران

شهریور ماه ۱۳۵۲

حق طبع محفوظ و مخصوص مؤلفان است

شماره ثبت کتابخانه ملی

چاپ اول فارسی در شهر یور ۱۳۵۲

چاپ اول متن انگلیسی ۱۳۴۹

چاپ دوم متن انگلیسی ۱۳۵۲

فهرست مندرجات

شرح	صفحه
۱ - سر آغاز	۵
۲ - بخش نخست مهاجرت اقوام آریائی	۶
۳ - بخش دوم زردشت	۲۵
۴ - بخش سوم نفوذ زردشت در دین یهود و مسیحیت	۳۶
۵ - بخش چهارم مقایسه میان گفته‌ها و نوشته‌های زردشت در دین یهود و مسیحیت	۴۷
۶ - منابع و مأخذ	۵۸

منابع آریائی دین یهود و مسیحیت

طی سخنرانیهای خود در دانشگاه وسترن ایلینویز واقع در شهر مکمب استان ایلینویز بعنوان استاد و سخنران مهمان دانشگاه مزبور و همچنین طی سخنرانیهای خود در مجامع کلیسایی و بخصوص در دانشگاه میسوری واقع در شهر کنزاس استان میسوری با کمال تأسف متوجه شدم که حتی تحصیلکرده‌های آمریکائی نیز درباره سهم عظیم ایران در عقاید مذهبی مغرب زمین اطلاعات بسیار ناچیزی دارند.

بدنبال سخنرانیهای خود در کلیسای باپتیست شهر مکمب در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر روز ۳۰ آوریل ۱۹۶۸ و سخنرانی در انجمن دانشجویان دانشگاه وسترن ایلینویز در ساعت ۱۲ ظهر روز ۶ مه ۱۹۶۸ و سخنرانی در اطاق کنفرانس مرکزی دانشگاه میسوری کنزاس سیتی در ساعت یک و نیم بعد از ظهر ۱۰ ژوئن ۱۹۶۸ تصمیم گرفتم که نتیجه مطالعات خود را در این موضوع بصورت این مقاله در آورم و امیدوارم این اثر سرآغاز مطالعات و تحقیقات وسیع تری در این موضوع باشد.

دکتر منوچهر آریانپور فرزند اینجانب نیز در تهیه مأخذ و مدارک لازم و استفاده از منابع کتابخانه دانشگاه میسوری باینجانب کمک بزرگی نموده و بدینوسیله از مشارالیه سپاسگذاری مینمایم.

بخش نخست

مهاجرت اقوام آریائی

دانشمندان زمین‌شناس عقیده دارند که آخرین سالچینه‌های عصر یخبندان اخیر در ۱۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل آغاز گردیده. براساس این عقیده علمی باید نتیجه بگیریم که در پایان عصر یخبندان یعنی بین ۱۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش اقوام آریائی بمهاجرت عظیم خویش مبادرت ورزید، و از نواحی سردسیر آسیای شمالی که شاید قسمتی از سیبری به امروزی بوده کوچ نموده وبصورت گروه‌های عظیم و اقوام مشخص بسوی آسیای مرکزی یعنی بسرزمینی که آنرا «اران» یا «ایران» یعنی سرزمین آریان‌زادان خواندند سرازیر شدند.

بعضی از این اقوام وارد ایران شده و در قسمت‌های مختلف آن سکونت گزیدند. دسته‌های دیگر آریان‌زادان به هندوستان راه یافته و شعبه هند و آریائی خانواده بزرگ قوم آریائی را تشکیل دادند در حالیکه گروه دیگری از اقوام آریائی از شمال دریای سیاه گذشته وبشمال وجنوب اروپا رفتند. این آریان‌زادان نیز بهمان زبان آریائی اقوام دیگر آریائی سخن گفته وعقاید مذهبی همانند سایر آریان‌زادان داشتند ولی بمرور زمان زبان ودین هریک از اقوام آریائی در اثر شرایط متفاوت محیط دستخوش تغییر و تحول گردید.

مهاجرت آریائی‌ها وسیله‌ای برای پخش وانتشار فرهنگ آریائی شد. آریان‌زادان ایرانی سنت‌ها و فرهنگ خویش را گرامی تر از همه چیز

میداشتند و گرچه در آن روزگاران ماقبل تاریخی هنوز آریائی‌ها با هنر خط آشنائی نداشتند با اینحال بکمک حافظه تمام معتقدات دیرین و افسانه‌ها و روایات و داستان‌های حماسی خود را سینه‌به‌سینه حفظ نمودند. انجام اینکار دشوار نیست زیرا اگر امروزه نیز نیروی پایدی تمام‌متون کتب مقدسه هر قومی را نابود سازد باز باسانی میتوان تمام عبارات و متون کتب مزبور را بدون تحریف و تغییری از محفوظات پیروان ادیان مزبور استخراج نمود، چون بشر عقاید و روایات و سنت‌های دیرین خویش را همچون جان گرامی میدارد. همین مسأله در مورد روایات و سنت‌ها و فرهنگ اقوام آریائی نیز صدق میکند. چندین قرن پیش از اختراع خط روایات و سنن آریائی نیز سینه‌به‌سینه محفوظ مانده تا پس از پیدایش خط بالاخره بصورت کتب مقدس دینی زردشتی جمع‌آوری و تدوین شده‌است. لحن ساده و بی‌آلایش بعضی از این نوشته‌ها شاهد زنده‌ای بر قدمت آنهاست چنانکه متن آنها بوضوح نشان میدهد که بعضی از این روایات بی‌تردید مربوط به دوران بعد از یخبندان است که اقوام آریائی دچار هوای سرد و برف و شب‌های دراز و تاریک قطبی شده و در اثر آن بادیدن فروغ و گرمی آفتاب و روشنائی روز و ستارگان تابناک بیم و نگرانی عظیم خود را نسبت به تاریکی ابراز داشته‌اند.

این حقیقت که آریائزادان برای ستارگان و خورشید احترام خاصی قائل بوده‌اند میرساند که همین ستارگان در شبان دراز راهنمای آنان در تاریکی بوده و فروغ گرم خورشید جان آنان را نجات بخشیده‌است همین آثار قدمت روایات مزبور را که شاید مربوط به ده تا دوازده هزار سال پیش می‌باشد ثابت میکند.

يك شاهد زنده قدمت عقاید دین زردشتی همانا «فرگرد دوم» از وندیداد که یکی از کتب اوستاست میباشد و ترجمه فارسی آن چنین است:

فرگرد دوم

- ۱- زردشت از اهورامزدا - از اهورامزدای آسمانی آفریننده مقدس جهان مادی و (اهورامزدای) پاك پرسید :
- ۲- «با کدام نخستین انسان تو که اهورامزدا هستی گفتگو کرده ای؟».
- ۳- «جز من یعنی زردشت تو بچه کسی قانونی را که از اهورامزدا ناشی شده و همانا دین زردشت است آموخته ای؟» .
- ۴- آنگاه اهورامزدا چنین پاسخ داد: «به یمای (جمشید) زیبا صاحب احشام ای زردشت .
- ۵- «من اهورامزدا هستم باوی که نخستین نوع بشر است سخن گفته ام.
- ۶- «جز تو که زردشت هستی من قانون زردشت را که از اهورامزدا ناشی است به او آموخته ام .
- ۷- «پس من که اهورامزدا هستم، ای زردشت به او گفتم :
- ۸- «ای یمای زیبا فرزند «ویوانهاو» تو چون ثبت کننده و آورنده قانون مرا پیروی کن» .
- ۹- «آنگاه یمای زیبا بمن چنین پاسخ داد : «ای زردشت
- ۱۰- «من نه آفریننده نه معلم نه ثبت کننده و نه آورنده قانونم»
- ۱۱- سپس ای زردشت من که اهورامزدا هستم بوی چنین گفتم :
- ۱۲- «اگر مرا همچون ثبت کننده و آورنده قانون پیروی نکنی
- ۱۳- «پس دنیای مرا گسترش بده دنیای مرا بارور ساز مرا چون نگاهدارنده، تقویت کننده و ناظر جهان پیروی نما» .
- ۱۴- آنگاه ای زردشت یمای زیبا بمن چنین پاسخ داد :
- ۱۵- «من جهان ترا گسترش خواهم داد دنیارا بارور خواهم ساخت

- من ترا چون نگاهدارنده، تقویت کننده و ناظر جهان پیروی خواهم کرد.
- ۱۶- «در دوران سلطنت من هیچ باد سرد، هیچ گرما، هیچ ناخوشی و هیچ مرگی نخواهد بود.
- ۱۷- پس از آن من دستهای پیروزی را بسوی او آوردم. منکه اهورا مزدا هستم.
- ۱۸- خیش زرین و نیزه ای زرین.
- ۱۹- ییما آنجاست تا حکومت کند.
- ۲۰- پس از آن ییما سیصد کشور را در سلطنت خویش و سهم خویش داشت.
- ۲۱- سپس زمین او پراز احشام، ددان و جانوران بارکش، مردان، سگان، پرندگان و آتش سرخ سوزان گردید.
- ۲۲- برای احشام، جانوران باری و مردم جا نبود.
- ۲۳- پس از آن ییما سهم خود ششصد کشور در سلطنت خویش داشت.
- ۲۴- در آن هنگام زمین او پراز احشام، جانوران بارکش، مردم، سگان، پرندگان و آتش سرخ فروزان شد.
- ۲۵- احشام، جانوران بارکش و مردم جا برای خود نیافتند.
- ۲۶- پس از آن ییما برای سهم خود نهصد کشور در قلمرو خویش داشت.
- ۲۷- در آن هنگام زمین پراز احشام، جانوران بارکش، مردم، سگان، پرندگان و آتش سرخ فروزان گردید. احشام، جانوران بارکش و مردم جا برای خود نیافتند.
- ۲۸- پس از این من به ییما پیام فرستادم «ای ییما ی زیبا فرزند ویوانها».
- ۲۹- «این زمین پراز احشام، جانوران بارکش، مردم، سگان، پرندگان و آتش سرخ فروزان است.

- ۳۰- «احشام، جانوران بارکش و مردم جا برای خود نمی یابند» .
- ۳۱- آنگاه ییما در جهت ستارگان و در مسیر خورشید پیش رفت» .
- ۳۲- او این زمین را با خیش زرین خویش بشکافت .
- ۳۳- آنرا با نیزه سوراخ نمود .
- ۳۴- و گفت: ای سپنتا آرمایش با محبت .
- ۳۵- «بدعای من پیش برو و آنسو برو»
- ۳۶- «ای نگاهدارنده (مادر) احشام، جانوران بارکش و انسان»
- ۳۷- آنگاه ییما سبب شد که این زمین بشکافتد و یک سوم بزرگتر از آنچه پیش بود بشود .
- ۳۸- پس ییما زمین را دوسوم بیش از آنچه پیش بود شکافت .
- ۳۹- پس از آن ییما زمین را سه سوم بیش از آنچه پیش بود بشکافت .
- ۴۰- بر روی آن احشام، جانوران بارکش و مردان گام زدند .
- ۴۱- بنا بر میل و خواسته خود و همانطور که میخواستند .
- ۴۲- اهورامزدای آفریننده جماعت آسمانی «یزاتا» را که بواژه آریائی آفرینش نیکوست احاد نمود .
- ۴۳- ییمای درخشان مالک گله نیکو جماعت بهترین مردان را آفرید که در واژه آریائی آفرینش نیکوست .
- ۴۴- به این جماعت اهورامزدای آفریننده بایزاناهاى آسمان درآمد .
- ۴۵- به این جماعت ییمای درخشان صاحب گله نیکو با بهترین مردم که بواژه آریائی معروف به آفرینش نیکو هستند درآمد .
- ۴۶- آنگاه اهورامزدا به ییما سخن گفت: ای ییمای زیبا فرزند ویوانهاو .
- ۴۷- «بر جهان مادی پلیدی زمستان می آید .
- ۴۸- «که در اثر آن يك یخبندان نابودکننده پدید می آید .

- ۴۹- «بر جهان مادی پلیدی زمستان میآید .
- ۵۰- «که در اثر آن برف بسیاری میبارد .
- ۵۱- «بر فراز کوه بر پهنه بلندیا .
- ۵۲- «ای ییما از سه جانب احشام را دور ساز :
- ۵۳- «اگر در هولناکترین جاها باشند .
- ۵۴- «اگر در قله کوهها باشند .
- ۵۵- «اگر در ژرفنای دره ها باشند .
- ۵۶- «برای تهیه مسکن
- ۵۷- «پیش از این زمستان کشور چراگاه داشت .
- ۵۸- «پیش از جاری شدن آبها آب شدن برف در پشت آن است .
- ۵۹- «ای ییما ابرها بر فراز نواحی مسکون پدید میگردند .
- ۶۰- «که اکنون بر پاهای احشام بزرگ و کوچک مینگرند .
- ۶۱- «پس دایره ای بدرازی زمین مسابقه از چهارسو بساز
- ۶۲- «تخم احشام، جانوران بارکش، انسان، سگان و آتش سرخ سوزان را بدانجا بیاور .
- ۶۳- «پس این دایره را بدرازی زمین مسابقه از چهارسو بساز تا منزلگاه آدمیزاد باشد .
- ۶۴- «بدرازی میدان مسابقه از هر چهارسو برای گاوان شیرده .
- ۶۵- «آنجا آب را بدرازی يك «هترا» (Hatra) جمع کن .
- ۶۶- «برندگان را آنجا مسکن بده .
- ۶۷- «در (ناحیه) جاودانی طلائی رنگ که خوراکش هرگز کم نمیشود .
- ۶۸- «تو در آنجا مسکن بساز .
- ۶۹- «کفها، ستون ها، حیاط ها و حصارها .

- ۷۰- «تخمه همه مردان و زنان را بدانجا بیاور .
- ۷۱- «که در این زمین از همه بزرگتر، بهتر و زیباترند .
- ۷۲- «تخمه تمام انواع حشم را بدانجا بیاور .
- ۷۳- «که در این زمین از همه بزرگتر و بهتر و زیباتراند .
- ۷۴- «تخم انواع درختان را بدانجا بیاور .
- ۷۵- «که در این زمین از همه بلندتر و شیرین رایحه تراند .
- ۷۶- «تخم تمام غذاها را بدانجا بیاور .
- ۷۷- «که بر روی زمین شیرین تر و خوشبو تراند
- ۷۸- «همه اینهارا جفت و قابل تعویض بساز
- ۷۹- «و حتی برای مردانی که در این دایره هستند
- ۸۰- «غصه و آزاری نباشد
- ۸۱- «ناسازگاری و دشمنی نباشد
- ۸۲- «گدائی و فریب نباشد
- ۸۳- «بی چیزی و ناخوشی نباشد
- ۸۴- «هیچ دندانی از تناسب معین بیشتر نباشد .
- ۸۵- «هیچ قامتی از تناسب معین بدن بیشتر نباشد
- ۸۶- «هیچ يك از نشان‌هایی که نشانه اهریمن است و وی در میان مردم نهاده نباشد .
- ۸۷- «در بخش فوقانی ناحیه ۹ پل بساز
- ۸۸- «شش تا در میان سه تا درپائین .
- ۸۹- «بر پل‌های نخست یک هزار زن و مرد بیاور .
- ۹۰- «بر میانی (تخم) ششصدتن و در پائینی (تخم) سیصدتن
- ۹۱- «آنها را که در حصاراند بانیزه زرین اینجا (بیاور)

- ۹۲- «دراطراف این حصار دیواری بلند و پنجره‌ای که بدرون روشنائی بدهد (بساز)» .
- ۹۳- آنگاه ییما اندیشید که من چگونه میتوانم حصاری چنانکه اهورامزدا گفته بسازم ؟
- ۹۴- «آنگاه اهورامزدا به ییما گفت: ای ییمای زیبا فرزند ویوانها و
- ۹۵- «بر روی این زمین با پاشنه‌راه برو و دستهایت را بدان بزن
- ۹۶- «تا سبب شوی که زمین منزلگاه بشر بشکافد .
- ۹۷- «سپس ییما حصارها را بدر ازای زمین سواری از چهار سو بساخت.
- ۹۸- تخم احشام، جانوران بارکش، انسان، سگ، پرنده و آتش سرخ فروزان را بدانجا آورد .
- ۹۹- پس از آن ییما حصارها را بدر ازای زمین سواری از هر چهار سو برای منزلگاه بشر ساخت .
- ۱۰۰- بدر ازای زمین بازی از هر چهار سو برای گاوان شیرده
- ۱۰۱- در آنجا آب را بد رازای يك «هترا» گرد آورد .
- ۱۰۲- وی در آنجا پرندگان را منزل داد .
- ۱۰۳- در (ناحیه) جاودانی طلائی رنگ که خوراکش هرگز پایان نیابد.
- ۱۰۴- وی در آنجا مسکن‌هایی بساخت .
- ۱۰۵- کف‌ها، ستون‌ها، حیاط‌ها و حصارها .
- ۱۰۶- و تخمه همه مردان و زنان را بدانجا آورد .
- ۱۰۷- که در این زمین از همه بلندتر ، بهتر و زیباتراند .
- ۱۰۸- وی تخم همه احشام را بدینجا آورد .
- ۱۰۹- که در این زمین از همه بزرگتر، بهتر و زیباتراند
- ۱۱۰- وی تخم همه درختان را بدینجا آورد .

- ۱۱۱- که در این زمین از همه بلندتر و شیرین رایحه تراند
- ۱۱۲- وی تخم همه گیاهان را بدینجا آورد
- ۱۱۳- که در این زمین شیرین ترین و خوشبو ترین اند .
- ۱۱۴- همه آنها را وی زوج و نابودنشده ساخت .
- ۱۱۵- حتی برای مردانی که دردایره بودند .
- ۱۱۶- در آنجا هیچ کشمکش و هیچ نزاع نخواهد بود .
- ۱۱۷- هیچ ستیزه جوئی، هیچ دشمنی ،
- ۱۱۸- هیچ گدائی، هیچ فریب ،
- ۱۱۹- هیچ تهدیدستی، هیچ ناخوشی ،
- ۱۲۰- هیچ کارسترك ،
- ۱۲۱- هیچ شکلی بیرون از تناسب اندام ،
- ۱۲۲- هیچ يك از نشانه هائی که از نشانه های اهریمن است و اوساخته
- ۱۲۳- در بخش بالائی ناحیه وی نه پل ساخت
- ۱۲۴- شش تا درمیان سه تا درپائین
- ۱۲۵- برای پل نخست وی تخمه یک هزار زن و مرد را آورد
- ۱۲۶- برای میانی ششصد تا برای پائینی سیصد تا
- ۱۲۷- وی آنان را که در حصارها بودند با نیزه زرین بدینجا (آورد).
- ۱۲۸- وی بدور این دایره دیواری بلند و يك پنجره که روشنائی بدرون میداد ساخت .
- ۱۲۹- «ای آفریننده جهان مادی ای وجود پاك
- ۱۳۰- «ای اهورامزدا روشنائی هائی که بر دایره درون که ییما ساخته می تابد چگونه است ؟»
- ۱۳۱- آنگاه اهورامزدا در پاسخ گفت: «روشنائی های خود آفریده اند

و بر دیف آفریده شده اند .

- ۱۳۲- «ستارگان و ماه و خورشید به يك نوع و در يك مسیر دیده میشوند
 ۱۳۳- «اینها يکروزشان مطابق يکسال است .
 ۱۳۴- «هر چهل سال يکبار دو آدميزاد از دو آدميزاد بصورت يك
 زوج يعنی يك كودك نر و يك كودك ماده بدنیا می آیند .
 ۱۳۵- «بهمین گونه از انواع جانوران»
 ۱۳۶- این مردم در دایره ای که ییما ساخت پرنشاط ترین زندگی را دارند.
 ۱۳۷- ای آفریننده جهان مادی، ای وجود پاك
 ۱۳۸- در این دایره ای که ییما ساخته کی قانون مزدیسنا را منتشر
 ساخته است ؟

۱۳۹- آنگاه اهورامزدا در پاسخ گفت: «ای اشوزردشت، پرنده کارشپا!»

۱۴۰- ای آفریننده جهان مادی، ای وجود پاك

۱۴۱- کی رئیس و ناظر آنان است ؟

۱۴۲- آنگاه اهورامزدا در پاسخ گفت : .

۱۴۳- «اورواتات- نارو و تو ای زردشت»

از این فرگرد که مسلماً خیلی قدمت دارد میتوان نتایج زیر را گرفت:

«ییما» یعنی جمشید پادشاه افسانه ای آریان ها رهبر مهاجرین

آریائی از نواحی سردسیر بوده و کشورهای بیشماری را گشوده و بهدایت

ستارگان بسوی روز روشن و در جهت آفتاب تابان پیش میرفته . وی کشاورزی

را بقوم خود آموخته و با خیش زرین زمین را شخم نموده است . بنا بر روایت

مزبور اهورامزدا به جمشید آگهی داد که پایدی زمستان بر زمین روی

خواهد آورد و یخ بندان سخت و نابودکننده ای پدید خواهد شد و بر فزایدی

خواهد بارید و قله کوه ها و پهنه بلندی ها را فرا خواهد گرفت. پس اهورامزدا

به جمشید امر مینماید که منازل مستحکم تهیه کند و میگوید «ای جمشید ابرها بر فراز نواحی مسکون گسترده میشوند پس دایره‌ای به اندازه میدان مسابقه در چهار جهت بساز». و سپس باز بوی چنین میفرماید: «در ناحیه زرین فام جاودانی که غذای آن هرگز پایان نمی‌یابد خانه‌هایی با کف‌ها و ستون‌ها و حیاط‌ها و حصارها بساز».

بدینگونه آریان‌ها برهبری جمشید از سرزمین سرد و تاریک بسوی ایران زمین یعنی کشور زرین فام کوچ نموده و همه روایات و سنن و فرهنگ ده هزار ساله خود را نیز با خود آوردند.

پس تعجبی نیست که همگام با پرستش اهورامزدا آریان‌ها به نیایش ستارگان و خورشید نیز مبادرت نموده باشند زیرا ستارگان و روشنایی آفتاب و گرمای آن سبب رستگاری آنان از سرمای سخت شده و رهبر آنها به سرزمین جانبخش ایران دارای آفتاب زرین فام بوده است.

پس آریان‌هایی که بکمک ستارگان و آفتاب از تاریکی و سرما و مرگ رهایی یافته‌اند خورشید را همچون سرچشمه زندگی نیایش نمودند بطوری که در گاتها چنین میخوانیم (یسنا ۴۴) اشتودگاتا):

«از تو می‌پرسم ای اهورا براستی مرا آگاه فرما کیست آفریننده روشنایی سودبخش و تاریکی؟ کیست آفریننده خواب خوشی‌بخش و بیداری؟ کیست آفریننده بامداد و نیمروز و شب که مردم را برای بجا آوردن نماز همی‌خواند؟

«از تو می‌پرسم ای اهورا براستی مرا آگاه فرما کیست آن کسی که در روز نخست از آفرینش خویش پدر راستی گردید؟ کیست آن کسی که بخورشید و ستاره راه سیر بنمود؟ کیست آن کسی که ماه از او گهی پر است و گهی تهی؟ ای مزدا این و بسا چیزهای دیگر را می‌خواهم بدانم؟»

و در یشت‌ها چنین نوشته شده :

«ای مزدا آهورا در میان ترکیب‌ها زیباترین ترکیب فروغ این جهان را و در عالم زیرین (ترکیبی را که) در میان بلندترین فروغ که خورشید نامیده میشود از آن تو می‌شمیریم .

«مهر دارنده دشتهای پهن را می‌ستائیم نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیزاسب از بالای کوه برآمد نخستین کسی که بازینت‌های زرین آراسته از فراز (کوه) زیبا سر بدر آورد و از آنجا (آن مهر) بسیار توانا تمام منزلگاه‌های آریائی را بنگرد.»

و چون در سفر آنان از نواحی تاریک ستارگان چشمک‌زنان آنانرا بسوی کشور آفتاب زرین فام رهبری میکردند از اینرو جای شگفتی نیست که ستارگان را نیز می‌ستوده‌اند .

چنانکه در آبان‌یشت نوشته شده :

«اردو بسور ناهید همیشه ظاهر میشود بصورت يك دختر جوان بسیار برومند خوش اندام کمر بند بمیان بسته راست بالا آزاده نژاد و شریف که يك جبه قیمتی پرچین زرین در بر دارد»

و نیز در اهنودگاتا چنین می‌خوانیم :

«آن کسی که در روز نخست درخشیدن و نورانی‌گشتن این بارگاه نغز اندیشید کسی است که از نیروی خرد خویش راستی را بیافرید ای مزدا آهورا ای کسیکه هماره یکسانی آن بارگاه مقام نیک‌منشانی است که تو آنان را برتری دهی!»

باید بخاطر داشت که آریان‌ها از دیرزمان و ازدوران پیش از تاریخ دلبستگی و علاقه بسیاری به پادشاهان خود داشته‌اند. مثلاً آنان نخستین پادشاه خود جمشید فرزند «ویوانهاو» را آورنده و واضع شریعت و قانون میدانستند و عقیده داشته‌اند که پادشاهان دارای نیروئی فوق طبیعی و

و معجز آسا می باشد و بسائقه همین نیرو می توانند زمین را بارور نموده و برکات دیگری بر مردم ارزانی بدارند. تمام نیاگان اقوام آریائی هندی و ایرانی و ایرلندی و اروپائی به این موضوع عقیده داشته اند و حتی تا امروز نیز اثر این عقیده در اقوام اروپائی و آسیائی دیده می شود.

کتاب کهنسال هندو بنام «قوانین مانو» آثار حکومت پادشاه نیکورا بدینگونه تعریف میکند «در کشوری که پادشاه از غضب مال بندگان گنهکار دوری مینماید مردم دنیا آمده و از زندگی دراز برخوردار میشوند و محصولات کشاورزان بارور میشود و کودکان از بین نمیروند و بچه های ناقص الخلقه پیدا نمیشوند». در یونان عصر «هومر» پادشاهان و امیران را مقدس و دارای فره ایزدی میدانسته اند و عقیده داشته اند که سلطنت پادشاه نیکوکار سبب میشود که خاک سیاه گندم و جو بسیار بیاورد و درختان پرمیوه شوند و احشام بسیار بزایند و دریا ماهیان بسیار بیاورد.

ایرلندی های قدیم عقیده داشتند که وقتی پادشاهانشان سنت های نیاگان را مراعات کنند فصول اربعه متعادل و محصول فراوان و احشام بارور و دریاها و رودها پر ماهی و شاخه های درختان میوه از سنگینی کُنده میشود. منشوری که به پاتریک مقدس ایرلندیها منسوب است «هوای مساعد، دریا های آرام، حصاد فراوان و درختان پر بار» را از جمله موهبت های پادشاه دادگستر میداند.

موارد بسیار دیگری نیز میتوان درباره شاهدوستی و شاهپرستی آریائزادان ذکر نمود. یکی از شواهد برجسته علاقه ایرانیان به شاه سرودی است که گویند دوهزار سال پیش از اسلام بر سردر آتشکده کرکوی سیستان نوشته شده و بنا بر مقدمه تاریخ سیستان بقلم شادروان ملك الشعراء بهار مضمون آن چنین است:

نور ایزدی آتشکده کرکوی افروخته باد

هوش و دانش گرشاسب بر جهان پاینده و طنین افکن باد
 جهان پراز جوش است
 می جاودان پیروزی نوش کن
 دوست من به نیکی و آفرین و کار خوب گوش کن و تاملتوانی نیکی کن که
 زمان پلیدی ها و بدی ها گذشته است .
 شاها خدایگانا به آفرین شاهی.

خاورشناسان و دانشمندان امروزی متفقاً بر این عقیده اند که در ادوار
 ماقبل تاریخی نیاکان اقوام آریائی قبل از انشعاب و کوچ به قسمتهای مختلف
 زمین باهم در آسیای مرکزی میزیسته و بیک زبان سخن می گفته اند و زبان
 مزبور کهن تر و ساده تر از زبان سانسکریت یا زند بوده و این زبان مادر
 همه زبانهای آریائی آسیا و اروپا بوده است. بعلاوه همه اقوام آریائی بیک
 دین و یک روش پرستش عقیده داشته اند. بعدها یک شعبه از آریان ها بسوی
 شمال غرب روانه شده و به پنج قسمت مختلف اروپا کوچ نمودند. دانشمندان
 عقیده دارند که اقوام سلت نیز اصلاً از نژاد آریائی می باشند و در اقصی
 نقاط مغرب اروپا یعنی فرانسه و انگلیس و ایرلند و بلژیک سکونت اختیار
 نموده اند در حالیکه اقوام تنومند «توتنی» در شمال و مرکز اروپا مستقر
 شده و اقوام اسلاوی در مشرق اروپا (روسیه و نواحی مجاور آن) و
 ایتالیائی ها و یونانیان در کشورهای خود در جنوب اروپا جایگزین شده اند .

شاخه دیگر آریان ها در جنوب آسیا یعنی در سرزمین میان رود سند
 و فرات مستقر شدند و در آن روزگار بنام هندوایرانی خوانده میشدند . در
 این هنگام جدائی دینی میان آریانها افتاد و بدو شاخه تقسیم شدند و تدریجاً
 این جدائی بیشتر شد و بالاخره هندوها بنام هندوآریائی و یا هندو در
 شمال غربی هند مستقر شدند و آریائی هائی که در ایران اقامت گزیدند

«ایرانی» خوانده شدند. معتقدات و اصول عقاید دینی هندوها در «ریگ ودا» که کهن‌ترین کتاب دینی جهان است جمع‌آوری شده است. از ریگ ودا پی‌می‌بریم که هندوها نیز یکتاپرست بوده و خدای یگانه را بنام «آسوراوارونا» (یعنی «اورانوس زنده» یا «خداوند کیهان») می‌شناخته‌اند. علاوه بر این به خدایان کوچکتر یا «دوا» (Devas) یعنی «ارواح تابناک» نیز عقیده داشتند ولی «آسوراوارونا» را خدای خدایان میدانستند.

ایرانیان همین «آسوراوارونا» را بنام «اهورامزدا» پرستش می‌کردند. پس از جدائی ایرانیان از هندوها ارواح نیکوی ودای هندوها یعنی «دوا» را ایرانیان «دیوا» یا «دیو» یعنی «ارواح پلید» دانستند و از این‌زمان با هندوها اختلاف عقیده پیدا کردند.

بخش دوم

زردشت

روزگاران درازی پیش از پیدایش زردشت و اعلام پیامبری از طرف وی ایرانیان عقاید مذهبی مشخصی داشته و اهورامزدا خدای بزرگ را ستایش می‌نموده‌اند.

زردشت مأموریتش تحکیم و تثبیت دین پاک آریان‌زادان و تأیید پرستش اهورامزدا خدای بزرگ ایرانیان بود.

همچنانکه ابراهیم و اسحق و یعقوب پیش از موسی ظهور نمودند سه پیامبر ایرانی نیز بنامهای «وایوانگهانت» و «اثویا» و «تریتا» پیش از زردشت ظاهر شدند.

گویند قرن‌ها پیش از ظهور زردشت جمشید پادشاه در رؤیائی چهره

کامل پیامبر ایرانی را مشاهده نموده و پیش‌بینی کرد که با ولادت این پیامبر راستین اهریمن شکست قاطع و نهائی خواهد خورد. در نوشته‌های اوستا پیشگوئی‌های بیشمار دیگری نیز شده که ظاهراً قرن‌ها پیش از ظهور پیامبر ایرانی وجود داشته‌است.

بعضی خاورشناسان عقیده دارند که زردشت حدود سال ۶۵۰۰ پیش از میلاد میزیسته و دیگران تولد او را در بلخ بسال دوازده هزار پیش از میلاد میدانند و بعضی دیگر معتقدند که چندین زردشت ظهور نموده‌اند. اگر این نظریه درست باشد شاید و یوانگهانت نخستین پیامبر و پیشوای آریائی بوده که در ۱۲۰۰۰ قبل از میلاد میزیسته و شاید سال ۶۰۰۰ پیش از میلاد سال ظهور «اتویا» و «تریتا» باشد که پیش از زردشت ظهور نموده‌اند. خواه این فرض درست و خواه نادرست باشد بدون تردید تعالیم مذهبی که زردشت جمع‌آوری و تدوین نموده هزاران سال پیش از زردشت رواج داشته و گاتها گواه زنده‌ای بر این مدعا می‌باشد. گاتها منسوب بخود زردشت و تنها سند اصیل موجودی است که از غارت زمانه محفوظ مانده‌است و طرز اندیشه ماقبل تاریخی ایرانیان را نشان می‌دهد.

از سازمان مذهبی پیش از زردشت اطلاعات ما بسیار ناچیز است ولی این عقاید هر چه بوده و هر نامی که داشته محققاً قسمت اعظم تعالیم و عقاید آن در دین زردشت آورده شده. با مقایسه عقاید دینی زردشت با عقاید مذهبی هندوهای دوران «ودا» (یعنی حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد و پس از آن) میتوان زمینه مشترکی در هر دو دین یافت که عقاید دین زردشت امروزی نیز با آن قابل تلفیق است.

از مطالعات مذهب آریائی‌های دوره «ودا» (۱۵۰۰ سال قبل از میلاد) میتوان فهمید که مذهب آریان‌های آندوره مرکب از یکتواعتقاد بچند

خدا بوده و در میان خدایان یا «دوا» ها یعنی «ارواح آسمانی» يك راسته از آنان دارای قدر و منزلت روحانی و اخلاقی خاصی بوده اند و بنام «آسورا» و «میترا» و «وارونا» (اورانوس) و غیره شناخته شده اند.

اجتماع اقوام آریائی هند و ایرانی به سه طبقه تقسیم شده یعنی طبقه روحانیون و طبقه ساحشوران و نجبا و طبقه کشاورزان. همین سه طبقه اجتماعی در پرستش مذمبی نیز رعایت میشده یعنی هر يك از این طبقات اجتماعی خدایانی مخصوص خود داشته اند. آسوراها یا آهوراها خداوندان روحانیون نجبا بشمار میرفته و بحضور آنها قربانی هائی با خون و آتش و «سوما» یعنی ماده مخمری که از شیر میوه تهیه میشده تقدیم میشده.

زردشت اعتقاد به چند خداوند را رد کرد و فقط «آسورا» یا «آهورا» خدای بزرگ را پذیرفت و از اینرو «آهورامزدا» یا «اورمزد» یعنی «خدای دانا» مورد پرستش آریان ها قرار گرفت و سایر «آهورا» ها از نظر فراموش شدند و خدایان دیگر یعنی «دوا» ها که خدایان محافظ طبقات دوم و سوم اجتماع بودند جزو ارواح خبیثه و دیوها بشمار رفتند. آهورامزدا نیز سرور یزدان و اهریمن یعنی خدای نیکی و خدای بدی است که یکی روان می بخشد و داد و نیکی را در جهان پیش میبرد و دیگری تاریکی و مرگ و ستم و پلیدی می آورد.

زردشت عقیده داشت که جهانی تازه بوجود می آید و تنها پیروان پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک از این جهان تازه برخوردار خواهند شد و اینان بایستی از پلی که نیکان را به بهشت و بدان را به دوزخ میرساند بگذرند. پس از زردشت در دوره هخامنشیان دین او در افغانستان و ماد و ایران گسترش یافت (بین سالهای ۵۵۳ تا ۳۳۰ پیش از میلاد) و در این نواحی باردیگر میترا وناهید پرستی بدان افزوده شد و آهورامزدا مقامش تنزل

یافته با «اهریمن» (انگرامینو) هم‌رتبه‌گردیده و اعتقاد به تضاد نیکی و بدی در دین زردشت رسوخ نمود.

زردشتی که تاریخ نام‌وی را یاد نموده در سدهٔ هفتم پیش از میلاد میزیسته و نژادش به‌خاندان منوچهر پادشاه میرسیده است. پدرش «پورشسپ» و مادرش «دخدوا» نام داشته. بنا بر روایات وی در آذربایجان بدنیا آمده در حالیکه بعضی عقیده دارند وی در شمال باختری ایران یعنی در بلخ پابجهان گذارده است.

داستان تولد زردشت نیز همچون تولد سایر انبیاء معجز آساست. گویند شکوه و فراهورامزد ابرخانه‌ای که دخدوا مادر پیامبر ایرانی در آن میزیسته فرو درآمد و تا سن پانزده سالگی در او مانده است. در این هنگام پدر دختر برهبری روح پلیدی گمان کرد که دخترش دیو دارد و از اینرو او را بخاندان «اسپیتاما» فرستاد. در آنجا برهبری ارواح پاک و فرشتگان پورشسپ را که از خانواده اسپیتاما بود به‌مسری برگزید و مادر پیامبر ایران شد. دربارهٔ دوران آبستنی دخدوا معجزات بسیاری ذکر شده که همه با معجزات پیش از تولد بودا و مسیح و کریشنا شباهت دارد. گویند دخدوا پیش از تولد کودک خود فرشتگان را مشاهده نمود که کودک تولد نیافته را نیایش مینموده‌اند. تولد زردشت نیز مانند تولد عیسی و بودا و غیره از باکره بوده و پیش از تولد وی ستاره‌ای درخشیدن گرفته و بسیاری معجزات و نشانه‌ها و حوادث روی داده است. کتب مذهبی زردشتی حاکی است که بهنگام تولد پیامبر ایرانی در سرتاسر طبیعت شادی و سرور حکمفرما شده و حتی درختان و رودها و احشام شادی و سرور داشته و ارواح پلید هراسان شده و به‌زرفنای زمین گریخته‌اند. همچنین گویند تولد وی بدنبال نیایش پورشسپ نسبت به «هائوما» (که همان سومای ودا می‌باشد) صورت گرفته.

پس در میان شادی طبیعت و آثار معجز آسا پیکِ بزرگِ اهورامزدا بدین جهان گام نهاد و این امر شاید در سال ۶۶۰ پیش از میلاد روی داده و زردشت مأموریت الهی خود را در این هنگام انجام داده . پرفسور جکسن مورخ انگلیسی در صفحه ۵۰ کتاب خود بنام «ایران در گذشته و حال»^۱ درباره وی چنین مینویسد :

«وی همچون مسیح ظهور میکند صدای شیپور اصلاحاتِ وی در سرتاسر ایران زمین طنین انداز میگردد. وی مانند کسی که در کمال زمان پدید آید متولد میگردد. روایات چنین میرساند که هنگام تولد در وی آثار حکمت و نیروی یزدانی دیده می شده و بجای اینکه همچون سایر کودکان گریه کند پیامبر کودک پس از تولد خنده بلندی نموده و مغز کوچک او بقدری بشدت ضربان داشته که هیچکس نمیتوانست دست به سر او بزند. پدر و مادر از دیدن این نشانه های شگفت شادیا کردند و فرشتگان برای نیایش و پرستش او فرود آمدند و ویرا «اسپیتاما زردشت» یعنی «زردشت دادگر» نام نهادند.» زردشت نام او و اسپیتاما نام خانوادگی اوست. این کلمه بصور مختلف نوشته و تلفظ شده. بعضی او را زرتشت و زردشت و غیره نامیده اند . دانشمندان معانی مختلفی برای این کلمه فرض نموده اند ولی عقیده غالب اینست که این کلمه مشتق از دو واژه سانسکریت «زرا» یعنی «پیر» و «اشترا» یا «اشتر» یعنی شتر است و رویهم رفته بمعنی شتر پیر و یا صاحب شتر پیر میباشد که بنظر اسم بی مسمائی میرسد. یونانیان نخستین بار او را «زرواستر» خواندند ولی در ایران قدیم زرتشت یا زردشت نامیده می شد . از زمان جوانی زردشت دیوان و ارواح پلید همواره میخواستند زندگی او را سپری سازند و «دوراس روبو» پادشاه توران و

سرور دیوپرستان همچون هیرودیس زمان تولد عیسی میخواست کودک را نابود سازد. وی همه ارواح پلید را برای کشتن وی فرستاد ولی بمشیت الهی زندگی پیامبر ایران بصورت معجز آسائی نجات یافت و تحرکات پادشاه توران بی نتیجه ماند.

از دوران کودکی زردشت اطلاعات ناچیزی در دست است جز اینکه میدانیم در هفت سالگی پدرش او را برای تعلیم بنزد استادى بنام «برزین کورش» فرستاده بنا بر روایات سریانی و عربی که بنظر نادرست می آید زردشت شاگرد ارمیای نبی اسرائیل بوده ولی چون ارمیا از او رضایت نداشته یهوه او را بمرض برص مبتلانمود. بهر صورت در این سن زردشت بوسیله مباحثات مذهبی بادانشمندان عصر خویش معرفت خود را آشکار ساخت و گمراهان را مورد سرزنش قرار داده و مفلوب میساخت. در زندگی عیسی نیز میخوانیم که در سن دوازده سالگی بهدایت گمراهان و سرزنش آنان می پرداخته.

زردشت در پانزده سالگی با دربر کردن «کوشتی» یعنی کمر بند روحانی متابعت خود را از آئین پاک دینی زمان خویش آشکار نمود. همین سنت را نیز برهمن های هندی بهنگام ورود بزندگی طلاب دینی اجرا میکردند. زردشتیان ایرانی نیز امروزه همچون روحانیون هندو رسن مقدس روحانیت را بتن میپوشند. در این مرحله از زندگی زردشت تمام خواسته های مادی را فراموش نموده و ابداً توجهی به لذات جسمانی نداشت. روان وی بر فراز تمایلات نفسانی و خواسته های حواس پنجگانه سیر مینمود. او در پی شادی های مادی نبود بلکه نسبت به افراد بشر و همه موجودات زنده این جهان علاقه و مهر سرشاری داشت. دیدار بدبختی و ناکامی بشر در روح بزرگدو اثر عمیقی می گذاشت. گویند دیدار سگ گرسنه و ناتوانی روح پر مهر او را سخت آزرده ساخته است.

چون نجات‌دهنده ایران بسن بیست رسید از خانه پدر و مادر بیرون شد و مدتی به سیر و گردش و زندگی پاک و بی آرایش پرداخت. مدت دهسال در جنگل‌ها و بیابان‌ها میگشت و به تنهایی در غارها و بر فراز کوه‌ها زندگی میکرد و خوراکش نان و پنیر و شیر بود. درخاوت جنگل توانست بر نفس خویش پیروز گردد و احساسات و حواس خود را کاملاً مطیع خویش سازد. وی بیشتر وقت خود را صرف شکر و عبادت نمود و کم‌کم دیده روحانی‌وی باز شد و آماده رؤیاهای روحانی گردید. در آرامش و سکوت بیابان روان‌وی از خواسته‌های دلفریب حواس نفسانی دور شده و بر عالم بالا صعود نمود و به اهورامزدا سرور عالم هستی پیوست. زردشت نیز چون موسی پیامبر یهود که در کوه طور با یهوه خدای اسرائیل مصاحبه میکرد بر فراز کوه «سبالان» (Sabalan) با اهورامزدا گفتگو مینمود و در طی این مدت رؤیاهای روحانی داشته و از اهورامزدا کسب معرفت میکرد زیرا وی نیز در راه مجوس‌های کهن پیش از خود گام میزد. بنا بر روایت هرودت مورخ یونانی زردشت مجوس کهن پیوسته بر فراز کوه خدارا نیایش میکرد و باید بخاطر داشت که کلمه «مجوس» برای یکی از قبایل روحانی ماد که مدتها قبل از زردشت در ایران میزیسته‌اند بکار میرفته و به زردشت نیز غالباً لقب «پیامبر مجوس» و «رئیس مجوسان» داده شده است.

بدینگونه پس از گذراندن دهسال در عبادت و سیر روحانی پیامبر ایرانی در سی‌سالگی از فروغ یزدانی مکاشفه روحانی روشن شد و خود را پیامبر اهورامزدا در سرتاسر جهان دانست. نخستین مکاشفه روحانی در کنار رود «دیتی» (Daiti) بروی نازل شد همانطور که نخستین مکاشفه عیسی در کنار رود اردن اتفاق افتاد. بطوریکه در نوشته‌های اوستا نوشته شده در سپیده دم روز پانزدهم اردیبهشت ماه سی و یکمین سال پادشاهی

و یشاسب پس از چهاربار عبور از رودخانه درحالیکه پیامبر ایرانی درکنار رود ایستاده بود ناگهان فرشته آسمانی از جنوب بر وی ظاهر شد. این فرشته اعظم «وهومانا» فرشته «پندار نیک» نام داشت. کم کم این شب بزرگ که اندامش به بزرگمی نه تن میرسید درحالیکه از فروغ آسمانی میدرخشید دربرابر وی ایستاد و زردشت از مشاهده این رؤیای آسمانی چشمانش خیره و ازدیدن این منظره غیرمنتظره بیهوش شد. سپس فرشته اعظم بوی امر کرد تا جامه تن را بیکسو نهد و روح او را درعالم روحانی به جایگاه اهورامزدا ی آسمانی و امشاسپندان یعنی فرشتگان اعظم که تجسم صفات و خصوصیات اهورامزدا میباشد رهبری نمود. زردشت پس از ورود به جهان مینوی اهورامزدا و فرشتگانش را نیایش نمود و در جایگاه جوینده راستی برنشست. آنگاه خدای بزرگ اصول مهم دین زردشت را به وی آموخت و فَرّه ایزدی بوی ارزانی داشت.

گویند این رؤیا در همان روز سه بار تکرار شد. زردشت که بدینگونه برهبری اهورامزدا آماده کار شد خود را نجات دهنده و پیامبر ایرانی خواند و به پیروی از فرمانهای خداوند به ترویج دینی که بعدها دین «زردشت» یا «مزدیسناگی» (یعنی مذهب مزداپرستی) معروف شد پرداخت وی ابتدا بهدایت اهریمن پرستان و دیوپرستان و بدکاران پرداخت و همچنین به هدایت رئیس دیوان که درزند اوستا بنام «کاویها» و «کاراپها» نامیده شده اند پرداخت. ولی چون هنوز قدرت روحانی وی کافی نبود از این رو در کوشش خود شکست خورد. مدت دو سال برای یافتن زمینه مناسبی جهت کاشتن بدر روحانی خویش سخت کوشید ولی موفقیتی بچنگ نیاورد. در این هنگام زردشت بفرمان اهورامزدا بدیدار «کاراپ» یعنی دیو ثروتمندی بنام «وداوشت» رفت و از وی صدزن و مرد جوان و چهار اسب بعنوان

پیشکش برای اهورامزدا خواست ولی وی جواب سخت و ناهنجاری به پیامبر داد و زردشت بخدا پناه برد و خداوند به او اطمینان داد که خطاکاران پس از مرگ سخت تنبیه خواهند شد. این گفتار زردشت مارا بیاد لعنت ایلای نبی میآورد که چون «اخزیا» یهوه خدای اسرائیل را شناخت او را لعنت ابدی نمود.

زردشت در این مدت از شهری به شهر دیگر سفر میکرد و گویند به هندوستان و چین سفر نموده ولی هیچکس دعوت او را نپذیرفت و در اثر آن سخت نومید گردید و نمیدانست چه باید کرد. ولی باز اهورامزدا او را تسلی داده فرمود: هنوز هنگام کارتو نرسیده و تو به تجلی دیگری نیاز داری. بین سالهای سی سالگی و چهل سالگی خود زردشت ششروئیای دیگر دید و با شش فرشته مقرب که سرپرستی جانوران و آتش و فلزات و خاک و آب و گیاهان را بعده داشتند هم سخن شد.

در تجلی دوم «وهومانا» فرشته پندار نیک که رئیس جانوران اهلی از قبیل گاو و گوسفند و اسب نیز شناخته شده از زردشت خواست که از این جانوران سودمند مواظبت و حمایت نماید.

در تجلی سوم «آشاهیشتا» فرشته اعظم «دادگستری» که رئیس آتش روحانی و مادی شناخته شده بوی ظاهر شده و توصیه نمود که از آتش حمایت نماید. در تجلی چهارم زردشت «خشناترا ویرا» فرشته اعظم نگهبان پادشاهی و رئیس فلزات پدیدار شده و توصیه نموده که از فلزات مواظبت کند. در طی سه تجلی دیگر باز وی با سه فرشته اعظم یعنی «اسپنتا آرمایتی» فرشته پاکدامنی و حاکم این جهان و «هورواتات» فرشته تندرستی و فرمانروای دریاها و «امرتات» فرشته «ابدیت» و فرمانروای گیاهان گفتگو نمود.

زردشت در طی این شش تجلی و رؤیای بهشتی که بدنبال رؤیای نخست درکنار رود «دیتی» مشاهده نمود با سلسله مراتب ارواح پاک و فرشتگان اعظم آشنا شد. در طی این ده سال تمام رؤیاها و تجلیات روحانی را دیده و معرفت روحانی را دریافت. وی از آسمان عالیتین معرفت واجب الوجود را بارمغان آورد. همچنین دعای معروف زردشت بنام «آهوناویرا» را که مثل «دعای ربانی» مسیحیان است به پیروان آموخت. در حین نزول از عالم مینوی مورد حمله نیروهای پلید قرار گرفت. اهریمن باردیگر درصدد نابودی او برآمد و ملازم خود «بویتی» را برای آزمایش و وسوسه و نابودی پیامبر اهورامزدا فرستاد. ولی به نیروی روحانی زردشت مغلوب گردید. زند و اوستا چنین مینویسد:

« ۱- از نواحی شمال از نواحی شمال «انگرامینو» (اهریمن) نابودکننده رئیس دیوان هجوم آورد و آن اهریمن پلید و نابودکننده چنین گفت: ای دروغ بشتاب و اورا بکش ای زردشت مقدس بویتی دیو که مرگ نادیدنی را فریب میدهد .

« ۲ (۳) - زردشت با صدای بلند «آهوناویرا» را خواند و گفت: اراده خداوند قانون عدل و داد است. اینها بخشش و هومانو در برابر کارهایی است که در این جهان بخاطر مزدا انجام میگیرد. آنکس که مستمندان را یاری کند اهورا را بشاهی رسانده .

«وی قربانی بر «دیتی» نیکو فرشته دریاها گذراند و نیایش پرستندگان مزدا را تکرار نمود .

«دروغ رنجیده و با سرعت گریخت همان دیو بویتی که مرگ نادیدنی را میفریبید .

« ۳ (۷) - و دروغ به اهریمن چنین گفت: ای اهریمن آزاردهنده من راهی

نمی بینم که بدان وسیله اسپیتاما زردشت را نابود سازم - شکوه و فراشو زردشت بسیار است .

«زردشت همه اینهارا در روح خویش بدید و باخود گفت که دیوان بدکار باهم می اندیشند تا مرا بکشند .

« (۱۱)۴ - زردشت بپاخواست و به پیش رفت و از خشونت و بدخواهی «آکم مانوی» لغزگوی آرام نشد درحالی که زردشت مقدس سنگهارا با دست خود پرتاب میکرد - سنگهائی بزرگی يك خانه که از اهورامزدا و سازنده این جهان گرفت .

«ای تو که درخانه پورشسب بر فراز کناره بلندتر رود «دارکا» ایستاده ای بسوی که؟ دراین زمین کروی که پایان آن بسیار دور است بسوی که؟ این سنگ هارا پرتاب میکنی؟

« (۱۶)۵ - زردشت به اهریمن چنین پاسخ داد: ای اهریمن بدکردار ! من آفرینش دیوان را به آتش میگذارم من «ناسو» آفریده دیورا میگذارم من «پریکا کنا تیتی» را میگذارم تا «ساوشیان» پیروز از دریاچه «کاساوا» واقع در ناحیه سپیده دم و از ناحیه سپیده دم زنده شود .

« ۶ - باردیگر اهریمن سازنده دنیای پلید چنین گفت: ای اشوزردشت آفریدگان مرا نابود مساز تو فرزند پورشسب هستی و من بوسیله غول تحریک شدم. دین نیکوی پرستندگان مزدارا رها کن تا آنهمه خوشی هائی که بر «وادهاگنا» فرمانروای ملت ها رسید بر تو نیز برسد .

« (۲۴)۷ - اسپیتاما زردشت در پاسخ گفت : نه ولو نفس مرا قطع

کنند هرگز دین نیکوی مزدا پرستان را بخاطر تن یا روان رها نمی کنم .

« (۲۷)۸ باز اهریمن سازنده دنیای پاید بوی چنین گفت: - بگفتار

که تو میزنی به گفتار که عقب خواهی کشید؟ به دستور چه کسی آفریدگان

نیک آفرینش مرا که اهریمن میباشم زده و دفع خواهند نمود ؟

« (۲۹)۹) اسپیتامازردشت: در پاسخ گفت: پیه سوز مقدس و پیاله های مقدس و «هائوما» و واژه ای که مزدا بمن آموخته همه اینها سلاح من است - بهترین سلاح من است . با این سخن میزنم با این سخن دفاع میکنم با این سخن آفریدگان نیک من ترا زده و درو میکنند ای اهریمن بدکردار ! روح نیکو آفرینش را بنیاد نهاد، او آنرا در زمان بی پایان آفرید امشاسپنتا آفرینش و نیکان و پادشاهان دانا را آفرید .

« (۳۵)۱۰) زردشت با صدای بلند دعای آهوناویرارا خواند - زردشت مقدس با آوای بلند گفت : ای خداوند من از تو این را میخواهم که راستی را بمن بیاموزی .

بدینگونه پیامبر ایران بر اهریمن پیروز و رئیس همه دیوان شده و بار دیگر به موعظه آغاز نهاد. این داستان مارا بیاد آزمایش مسیح در بیابان بوسیله شیطان میاندازد. بهر صورت پس از ده سال کشمکش و فعالیت روحانی او توانست فقط یک تن را بدین خود آورد. این شخص پسر عموی وی «میتسوماه» نام داشت که چون یوحنا شاگرد محبوب عیسی تا دم مرگ بوی وفادار ماند. ولی تا دو سال پس از آن دین وی پیروز نشد. در آن هنگام وی «ویشتاسب» یا «گشتاسب» پادشاه ایران را بدین زردشت درآورد. پیش از اینکه این پادشاه بزرگ بدین او گراید زردشت معجزات بسیاری نمود . کاهنان دانشمند بارگاه این پادشاه علیه وی دسیسه ها نموده و زردشت را بساحری متهم ساختند و پادشاه را واداشتند تا پیامبر ایرانی را به سیاه چال بیاورد و از گرسنگی هلاک سازد. گویند زردشت مدتی در زندان بسربرد ولی خواست خدا و هدایت فرشتگان سبب شد که وی بطور معجزه آسائی اسب سیاه شاه را از مرض شفا بخشید زیرا ناگهان چهارپای اسب سیاه وی بزیر

شکمش جمع شده و قادر بحرکت نبود.

با انجام این معجزه گشتاسب به نیروی خارق العاده زردشت خستو شد و در برابر وی بزانو درآمده او را به پیامبری شناخت. پیامبر ایرانی بچهار شرط چهارپای اسب را شفاعت بخشید. اول اینکه گشتاسب پادشاه پیرو دین او شود. دوم اینکه اسفندیار فرزند دلاور وی به پشتیبانی از دین وی پیکار کند. سوم اینکه شهبانو نیز دین پاک او را بپذیرد و چهارم آنکه پادشاه نام دسیسه کاران علیه او را فاش کند. پادشاه نیز از وی چهار چیز بخواست: نخست آنکه پایان کار و جای خود را در مینو بداند. دوم آنکه به بدن او گزند نرسد سوم آنکه دارای معرفت همگانی گردد و چهارم آنکه روان وی تا روز رستاخیز از تنش دور نگردد. سه فرشته اعظم پدیدار شدند و با شکوه و فر آسمانی و فروغ و عظمت خویش دیدگان پادشاه و شهبانو و اعضای خاندان پادشاهی و درباریان را خیره نمودند. درحین که فرشتگان بقصر پادشاه نزدیک میشدند تابش آنان بچشم گشتاسب همچون آسمانی از فروغ تابناک آمد. از دیدن این منظره پادشاه بلرزه درآمد و درباریان و سران مات و مبهوت شدند. آوایی از میان روشنائی اعلام نمود که بامر خداوند آنان برای نشان دادن شکوه و فر دین بهی آمده اند. در اثر این امور گشتاسب متقاعد شده و به کیش زردشت گرائید و بایک نظر بهشت را دید. «آشواشیستو» فرشته اعظم جرعه ای از آب زندگی بوی داد. از دیدن این منظره «هوتا اوسا» شهبانو و برادر پادشاه به کیش زردشت درآمدند و همه از پیروان دلبسته او شدند. بالاخره کیش زردشت که چندسالی دستخوش مخالفت قرار گرفت پادشاهی را حامی و نگهدار خود یافت که مانند کنستانتین حامی دین مسیح دین زردشت را رواج داد.

گویند بیادبود گرایش گشتاسب شاه بدین بهی زردشت درخت سروی

در جلو آتشکدهٔ بزرگ کاشمر بکاشت که بزودی درختی بزرگ شد و شاخه‌های خود را باطراف گسترده. مردم این را نشانهٔ گسترش سریع دین زردشت به پشتیبانی گشتاسب شاه دانستند. از این پس رسالت زردشت در زیر حمایت پادشاه در سراسر کشور گسترش یافت و دیگر منحصر به خاندان پادشاه نبود. بنا بر بعضی روایات زردشت در مباحثات خویش همهٔ فیلسوفان و پیامبران هند و بابل و یونان را نیز مجاب نموده است. روایات دیگری حاکی است که «ویاسا» نویسندهٔ معروف داستان حماسی «مها بهاراتا» و «کلمات قصار» و «دانتاسوترار» که در سال ۱۴۰۰ پیش از میلاد میزیسته به زردشت گرائیده است. بنا بر روایت اوستا «گوتاما بودا» بنیادگذار دین بودا نیز بدین زردشت گرائیده ولی ظاهراً این روایات بعد از زردشت به نوشته‌های اوستائی افزوده شده است. اگر پیدایش زردشت را در سدهٔ هفتم پیش از میلاد بدانیم در این صورت ویاسا و بودا همزمان با زردشت نبوده‌اند. به ادعای اوستا بعضی از فیلسوفان قدیم یونان مانند فیثاغورس و افلاطون و ارسطو نیز پیرو زردشت شده‌اند.

در زمان اسارت یهود در بابل دین زردشت بسرعت در میان یهودیان و بخصوص در بین فرقهٔ فریسیان گسترش یافت. بنا به روایتی خود زردشت بابل رفته و هزاران تن را بکیش خود درآورد ولی مدرک قابل اعتمادی در این موضوع در دست نیست. بنا به روایت اوستا گشتاسب پادشاه که حامی سرسخت کیش زردشت بود به جهاد در راه دین پاک پرداخت و علیه دشمنان دین بهی و دیوپرستان جنگید. گویند گشتاسب دوبار ازدواج کرده و از زن دوم خویش فرزندان بسیاری آورد. این زن حامی سرسخت پیامبر ایرانی شد. وی هیجده پسر و دودختر داشت و همه پیرو کیش زردشت شدند. برادر پادشاه بنام «زیری بیری» که جنگاوری نامدار بود از پیروان

سرسخت دین پاک‌شد. روایات حاکی است که خود زردشت نیز سه‌بار زن گرفته و فرزندان بسیار داشت. از نخستین زن خود یک پسر و سه دختر داشت. کوچکترین دختر وی که «پورشیستا» نام داشت بزنی «جاماسب» مشاور پادشاه و برادر «فراشسترا» وزیر و ملازم مخصوص پادشاه درآمد. زردشت از زن دوم خود دو پسر آورد. فراشسترا بقدری شیفته زردشت شد که دختر خود را بزنی به‌وی داد. این زن که «هاوی» نام داشت کودکی‌نیارود ولی روایات حاکی است که وی همسر سوگلی زردشت بود و از وی سه پیامبر در هر هزار سال بوجود می‌آید که نام آنان «اوکشیات ارتنا» و «اوکشیات نما» و سومی «ساوشیان» یانجات‌دهنده خواهد بود. ساوشیان یعنی نجات‌دهنده در روز داوری پدیدار خواهد شد. در آن روز این جهان پلید نابود میشود و اهورامزدا جهان تازه‌ای می‌آفریند و بر نیروهای پلیدی پیروز شده و آنها را از بین خواهد برد.

در اوستا چنین نوشته شده: «وی (ساوشیان) جهان را رستگاری بخشیده و پس از آن دیگر هرگز سالخورده نشده هرگز نخواهد مرد هرگز تباه و هرگز فاسد نخواهد شد بلکه پیوسته زنده‌مانده و پیوسته افزون خواهد شد و بر خواسته‌ها حکمفرما خواهد شد. در آن هنگام مردگان زنده شده و زندگی و ابدیت فرامیرسد و جهان بخواسته او رستگاری یابد» (زامیادیشث ۸۹).

این آغاز عقیده نجات‌دهنده یا مسیح روحانی در دین زردشت است. میان گرایش گشتاسب به زردشت و جنگهای مذهبی علیه دشمن سرسخت و مهلك او ارشاسب پادشاه توران پانزده سال طول کشید. تاریخ ویرا تورانی بی‌دین نامیده. در طی این مدت زردشت دین خود را رواج داده و معجزات بسیاری انجام داد و از آتش مقدس پاسداری نموده و احشام و فلزات را

حفظ کرده بیماران را شفا بخشید و کوران را بینائی داد. همچنین چندین آتشکده بنیاد نهاد و دین بهی و اصلاحات تازه خود را در سرتاسر کشور ایران منتشر ساخت و نیروی خود را برای جاوگیری از دیوپرستی و جادوگری بکار برد. وی آفات را از سرزمین دور ساخت و همه بدبختی‌ها و تباهی‌های کشور را برطرف نمود. در این مدت وی همچون دستور یا کاهن بزرگ دین بهی رفتار نمود. پیش از زردشت ده آتشگاه بزرگ و سه نوع آتشکده برای سه طبقه مختلف اجتماعی وجود داشت. آتشکده طبقه روحانیون و نجبا از همه کهن‌تر و «آتش فروشکوه ایزدی» خوانده میشد و این سنت هنوز هم در میان زردشتیان هندوستان باقی است. این آتش مقدس ترین آتش‌ها بشمار میرفت. طبقه جنگاوران و نجبا نیز آتشکده مخصوص خود و طبقه کشاورزان و رنجبران جامعه نیز آتشکده‌ای مخصوص خود داشتند. این سه طبقه اجتماعی ایران قدیم شبیه سه طبقه اجتماعی هنداست.

در پایان پانزده سال رواج دین زردشت دین بهی ۶۰۱ پیش از میلاد فصل تازه‌ای آغاز نهاد و جنگ‌های مذهبی و خونریزی برپا شد. این جنگها تا سال ۵۸۳ پیش از میلاد دوام یافت. در این مدت جهاد علیه بی‌دینان در سرتاسر ایران ادامه داشت. اوستا با آب و تاب تمام داستان این جنگهای مذهبی را شرح میدهد و نام هشت تن دشمنان مغلوب گشتاسب و برادر دلیرش «زری‌وری» یا زری‌ورا یاد نموده و می‌نویسد که: بدرخواست گشتاسب و زری‌ور از درگاه اهورامزدا پیروزی نصیب پرچم آنان شده و دعا‌های آنان اجابت گردید.

در پایان باید خاطر نشان نمود که همه ادیان بزرگ جهان یعنی دین یهود و مسیحیت و اسلام و دین برهمن و انشعابات آن یعنی دین بودا و مذهب لامائی و دین زردشت در سرزمین پیامبر پرور آسیا بوجود آمده و

زیسته‌اند. دین یهود و مسیحیت و اسلام در میان اقوام مختلف نژاد سامی پیداشده درحالیکه دین بودائی و لامائی و زردشتی دین‌های آریائزادان است.

بخش سوم

نفوذ زردشت در دین یهود و مسیحیت

داستان اسارت یهود در بابل در کتب مقدسه یهود دقیقاً ضبط شده و بخصوص در کتاب مقدس کورش بزرگ نجات‌دهنده قوم اسرائیل که یهود را به سرزمین موعودشان برگردانده تجلیل شده است.

کورش بزرگ پادشاه شاهنشاهی ایران نخستین اعلامیه آزادی عقیده را برای نوع بشر صادر نمود. این اعلامیه آزادی عقیده و فکر تا امروز در استوانه گلی پخته محفوظ مانده و در موزه بریتانیا موجود است. استوانه مزبور در سال ۱۸۷۹ طی حفاریات باستانشناسی در بابل بدست آمده و در سال ۵۳۹ قبل از میلاد بخط میخی بابلی نوشته شده است. ترجمه فارسی آن چنین است:

«منم کورش شاه جهان شاه بزرگ شاه نیرومند شاه بابل شاه سرزمین سومر و اکد شاه چهار گوشه جهان پسر کمبوجیه شاه بزرگ شاه انشان نواده کوروش شاه بزرگ شاه انشان از تخمه چیش پیش شاه بزرگ شاه انشان از دودمان سلطنتی جاودان که بعل و نبو فرمانروائی آنان را گرامی میدارند و سلطنت آنان را بحان و دل خواستارند. هنگامیکه من بآرامش بیابان در آمدم با سرور و شادمانی کاخ شاهی را جایگاه فرمانروائی قراردادم مردوک خدای بزرگ مردم گشاده دل بابل را بر آن داشت تا مرا... من هر روز بستایش او

همت گماشتم. سپاه بیشمار من بی مزاحمت در میان شهر بابل حرکت کرد. من بهیچکس اجازه ندادم که سرزمین سومر و اکد را دچار هراس کند. من نیازمندیهای بابل و همه پرستشگاههای آنرا در نظر گرفتم و در بهبود وضعشان کوشیدم. من یوغ ناپسند مردم بابل... را برداشتم. خانههای ویران آنان را آباد کردم. من به بدبختیهای آنان پایان بخشیدم. مردوک خدای بزرگ از کردارم خشنود شد و بمن کورش شاه که اورا ستایش کردم و به کمبوجیه فرزندم که از تخمه من است و بتمام سپاه من برکت ارزانی داشت و از صمیم قلب مقام شامخ اورا بسی ستودم. تمام شاهانی که در بارگاههای خود بر تخت نشسته اند در سراسر چهار گوشه جهان از دریای زیرین تا دریای زبرین کسانی که در... مسکن داشتند تمام شاهان سرزمین باختر که در خیمه ها مسکن داشتند مرا خراج گران آوردند و در بابل پیام بوسه زدند. از... تاشهرهای آشور و شوش و آگاده و اشنونا و شهرهای زبان مرنو و در تا ناحیه سرزمین گوتیوم شهرهای مقدس آنسوی دجله را که مدتی دراز پرستشگاههایشان دستخوش ویرانی بود تعمیر نمودم و پیکره خدایانی را که جایگاه آنها در میان آنان بود بجای خودشان باز گرداندم و در منزلگاهی بایدار جای دادم. من همه ساکنان آنها را گرد آوردم و خانه هایشان را به آنان باز پس دادم. خدایان سومر و اکد که «نبونید» آنها را بیابل آورده و خدای خدایان را خشمناک ساخته بود من بخواست مردوک خدای بزرگ بصالح و صفا بجایگاه پسندیده خودشان باز گرداندم. باشد که تمام خدایانی که من در پرستشگاههایشان جای داده ام روزانه مرا در پیشگاه بعل و نبو دعا کنند. باشد که زندگانی من دراز گردد. باشد که بمردوک خدای بزرگ بگویند کورش پادشاه که ترا گرامی میدارد و فرزند کمبوجیه... باشد...»

کورش میگوید: «شهرهای مقدس آنسوی دجله را که مدتی دراز

پرستشگاههایشان دستخوش ویرانی بود تعمیر نمودم و پیکرهٔ خدایانی را که جایگاه آنان در میان آنان بود بجای خودشان بازگرداندم و در منزلگاهی پایدار جای دادم. من همهٔ ساکنان آنها را گردآوردم و خانه‌هایشان را بآنان بازپس دادم.»

بدینگونه کورش پادشاه دادگستر ایران همهٔ ملل اسیر در بابل را از قید اسارت و شکنجه آزاد ساخت. قوم اسرائیل نیز یکی از همین ملل اسیر در بابل بود. این امر نشان می‌دهد که اکثریت پادشاهان ایران از قدیم و هم‌اکنون دارای وسعت نظر و دوستدار آزادی بوده‌اند و بخصوص این موضوع در مورد شاهنشاه محمدرضا شاه آریامهر پهلوی شاهنشاه حاضر ما نیز صدق مینماید.

در مورد رهائی قوم یهود از اسارت بابل در کتاب دوم تواریخ ایام باب ۳۶ آیات ۲۲ و ۲۳ چنین نوشته شده:

«در سال اول کورش پادشاه فارس تا کلام خداوند بزبان ارمیا کامل شود خداوند روح کورش پادشاه فارس را برانگیخت تا در تمامی ممالک خود فرمانی نافذ کرد و آنرا نیز مرقوم داشت و گفت: «کورش پادشاه فارس چنین می‌فرماید. یهوه خدای آسمانها تمامی ممالک زمین را بمن داده‌است و او مرا امر فرمود که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهوداست بنانمایم...»

عین همین مضمون نیز در کتاب عزرا باب اول آیات اول تا ۴ آمده است اشعیاى نبی نیز در باب ۴۴ آیه ۲۸ چنین مینویسد:

«دربارهٔ کورش (خدا) میگوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به انجام خواهد رسانید و دربارهٔ اورشلیم (خدا) میگوید بنا خواهد شد و دربارهٔ هیکل که بنیاد نونهاده خواهد گشت.»

در همین کتاب در باب ۴ آیهٔ اول کورش را «مسیح» یعنی نجات‌دهنده

خوانده و چنین مینویسد :

« خداوند به مسیح خود یعنی کورش (که دست راست او را گرفتم تا بحضور وی امتهارا مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درهارا بحضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود) چنین میگوید که من پیش روی تو خواهم خرامید و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته پشت بندهای آهنین را خواهم برید و گنجهای ظلمت و خزائن مخفی را بتو خواهم بخشید تا بدانی که من یهوه که ترا به اسمت خوانده‌ام خدای اسرائیل میباشم.»

در کتاب دانیال باب ۶ آیه ۲۸ نیز دانیال نبی افتخار میکند که در زمان کورش پیروز میشود.

بطوریکه اشاره شد در دوران اسارت یهود در بابل قوم اسرائیل با معتقدات و عقاید زردشتی که کاملاً برای آنها تازگی داشت آشنا شدند و چون بسیاری از این عقاید مورد توجه و علاقه آنان واقع گردید برای نخستین بار در تاریخ خود آنها را در کتب مذهبی خویش آوردند .

همینکه عقاید زردشتی یکبار در کتب عهد عتیق وارد گردید بالطبع در قرنهای بعدی به مسیحیت منتقل شد گرچه مسیحیت نیز بنوبه خود مستقیماً عقاید و اصولی از دین زردشت اتخاذ نمود که بعداً مورد بحث واقع خواهد شد .

در زیر بتفصیل درباره بعضی از این عقاید بحث مینمائیم :

۱- سلسله مراتب فرشتگان

سلسله مراتب فرشتگان بصورتی که در دین زردشت بیان شده عیناً

در کتبی که پسر از آشنائی یهود با دین زردشت پیش آمده قید شده است مثلاً نام جبرئیل و میکائیل در کتاب دانیال که در دوره اسارت یهود نوشته شده آمده است .

عقیده شیطان یعنی اهریمن دین زردشت نیز منطبق با معتقدات زردشتی است .

۲- تثلیث

عقیده تثلیث مسیحیت نیز با عقیده تثلیث زردشتی بصورت «پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک» ارتباط دارد. زردشت تعلیم میدهد که گفتار از پندار سرچشمه میگیرد و کردار شخص هم ناشی از پندار و گفتار اوست . در مسیحیت تثلیث بصورت «خدای پدر یعنی خالق موجودات» و «خدای پسر یعنی عیسی» و «خدای روح القدس» شناخته شده است و دو خدای پسر و روح القدس را ناشی از خدای پدر خالق موجودات میدانند .

۳- بهشت و دوزخ

واژه انگلیسی بهشت یعنی (Paradise) مشتق از واژه فارسی «پردیس» میباشد که نام کاخ باشکوه و باغ یکی از شاهان ماد در سده هفتم قبل از میلاد بود. وجه اشتقاق کلمه Paradise نیز بر حسب تعریف فرهنگ وبستر بزرگ چاپ ۱۹۶۰ از کلمه لاتین Paradisus و کلمه یونانی Paradisos (یعنی پارک یا قصر) است که بنوبه خود از واژه پارسی اوستائی «پری دیسا» میباشد. قسمت دوم این کلمه یعنی «دیسا» بمعنی «حصار» و «محوطه» و «دیوار» است و قسمت اول آن از واژه پارسی باستانی «پری»

بمعنی «اطراف» میباشد. بعدها «بهشت» یا «باغ عدن» را تشبیه به باغ و کاخ باصفای «پردیسی» دوران شاه ماد نموده و این کلمه را بجای بهشت و آسمان بکار بردند. یونانیان این کلمه را از ایران گرفته و بسایر قسمتهای لاتینی زبان اروپا انتقال دادند. بهمچنین کلمهٔ «فردوس» عربی نیز از همین کلمهٔ پردیس فارسی گرفته شده و چون در عربی حرف «پ» وجود ندارد با تغییراتی آنرا «فردوس» خوانده اند.

در سرتاسر کتب عهدعتیق هیچ نامی از بهشت یا فردوس برده نمیشود. در کتاب پیدایش داستان آدم و حوا و باغ عدن یاد شده ولی کلمهٔ «بهشت» و «فردوس» تنها در کتب عهدجدید مسیحیان دیده میشود. بهمچنین کلمهٔ «دوزخ» تا پس از دوران اسارت یهود در بابل در کتب یهود دیده نمیشود یعنی تاموقعی که یهود تحت نفوذ افکار ایرانیان قرار نگرفتند اثری از این کلمات نیست.

۴- اعتقاد به روز رستاخیز و زندگی جاوید و روز شمار

یهودیان پیش از تماس با ایرانیان در بابل عملاً دربارهٔ این عقاید هیچگونه اطلاعی نداشتند. مثلاً در سرتاسر کتب عهدعتیق یهود اشارهٔ صریحی به رستاخیز نشده گرچه در کتب عهدجدید اشاره به این موضوع شده است (رساله قریمان).

دانیال نبی معاصر دورهٔ اسارت یهود و بنا بر روایت کتاب مقدس وزیر «داریوش مادی» برای نخستین بار دربارهٔ «زندگی جاودانی» و «مکافات ابدی» سخن میگوید.

اشعیای نبی نیز که در دورهٔ اسارت یهود در بابل میزیسته و کتاب

خود را نیز در همان دوره نوشته راجع به «حیات ابدی» (اشعیا باب ۶۰ آیه ۱۵) و «ابدیت» مینویسد و میگوید «من ترا فخر جاودانی و سرور دهرهای بسیار خواهم کرد». و در اشعیا باب ۵۷ آیه ۱۵ مینویسد: «او که عالی و بلند و ساکن در ابدیت میباشد».

۵- عقیدهٔ «نجات‌دهنده»

زردشتیان یا ایرانیان قدیم در انتظار ظهور «ساوشیان» یعنی «نجات‌دهنده» بودند که طبق روایات زردشتی باید دارای طبیعت بشری و از نژاد پادشاه و پیامبر باشد. ایرانیان انتظار داشته و دارند که ساوشیان بیاید و نژاد آریان و تمام افراد بشر را نجات بخشد و عدل و داد را در جهان بگستراند. مطالعهٔ مبحث پایان عالم وجود که به انگلیسی آنرا (Eschatology) گویند بر حسب عقاید زردشتیان بسیار جالب توجه است.

بر طبق نوشته‌های دینی زردشت ساوشیان باید در پایان این جهان یا باصطلاح «آخر الزمان» ظهور نموده و عالم هستی را بنیادی نو گذارد. وی مردگان را زنده نموده و روان در تن آنان می‌آورد. آتشی کلان برپا میشود و افراد بشر میبایستی در نهری بزرگ از فلزات گداخته در انتظار بمانند. نهر فلزات گداختهٔ مزبور برای عادلان و نیکوکاران چون شیر گرم و برای بدکاران و پلیدان همان فلزات گداخته خواهد بود.

اما گناهان بدکاران در این آزمایش سخت پاک میشود و همهٔ عالم وجود باشادی بسوی آفریدگار باز میگردد.

ساوشیان شخصیت نهائی دین زردشت که قیامت مردگان را برپا میکند در آخر زمان گاو نری قربانی نموده و بدینگونه هستی دوم آدمیان را

آغاز مینماید و بنا بر پیشگویی زردشت دیگر مرگی وجود نخواهد داشت .
 درحینی که رستاخیز مردگان انجام میگیرد ساوشیان و یارانش گاوموسوم
 «هادهایانس» (Hdhayans) را قربانی نموده و از پیه آن «هائومای سپید»
 یعنی «آب زندگی» را تهیه نموده و بهمه آدمیان میبخشند. پس بدینگونه
 آدمیان برای همیشه جاودان میمانند و ابدیت جسمانی بدین طریق بوسیله
 قربانی گاو میسر میشود درحالیکه ابدیت روح بوسیله آشامیدن «هائوما»
 یا آب زندگی بدست میآید و همه مردمان رستگار میشوند . پس تا دین و
 سلطنت در یک شخص جمع نشود آدمی نمیتواند دارای هیئت الهی شود و
 اینکار هم باید در هزاره ساوشیان انجام گیرد .

در چنین روزی دیگر تاریکی وجود نخواهد داشت بلکه در همه جا
 روشنائی و شادی دیده خواهد شد .

سه تن فرزندان زردشت که پس از وی زنده میمانند بنامهای «اشار»
 و «اشارمه» و «ساوشیان» بطریق معجزه آسائی در دریاچه ای زنده
 میمانند و هر یک سهمی در پایان این جهان دارند ولی در آخر زمان که
 ساوشیان ظهور میکند بالاخره اهریمن (شیطان) برای همیشه نابود میگردد
 و مردگان زنده شده و آفرینش نوین و جاودانی میگردد .

پس همه عالم هستی غرق در روح و از فروغ آن تابناک میگردد .

چنانکه در بالا دیدیم ایرانیان مدتها پیش از اسارت یهود در بابل
 انتظار ظهور ساوشیان را داشته اند. طبیعتاً قوم یهود که مدتی دراز در
 اسارت بابلیها رنج و محنت کشیده نیز برای نجات خود از اسارت و بندگی
 بابلیها منتظر نجات دهنده ای میشدند و چون عقیده ایرانی ساوشیان که
 باید از نژاد «پادشاه و پیامبر» باشد در نظر آنان پسند افتاد از اینرو معتقد
 شدند که نجات دهنده قوم یهود نیز باید از نسل داود که هم پادشاه و هم

پیامبر بوده باشد و برای نخستین بار درباره «نجات دهنده» یا «مسیح موعود» پیشگوئی‌هایی نمودند.

کلمه «نجات دهنده» برای نخستین بار در کتاب دوم سموئیل باب ۲۲ آیه ۳ و در کتاب دوم پادشاهان باب ۱۳ آیه ۵ و کتاب نحیمیا نبی باب ۹ آیه ۲۷ و در مزامیر داود باب ۱۰۶ آیه ۲۱ قید شده ولی در کلیه این موارد کلمه «نجات دهنده» بمعنی اعم خود بکار رفته و در مزامیر داود میگوید: «آنها خدای نجات دهنده خود را فراموش نمودند».

نخستین اشاره به کلمه «نجات دهنده» یا «مسیح» بمعنی اخص کلمه در کتاب اشعیا نبی باب ۱۹ آیه ۲۰ شده و چنین مینویسد: «او برای ایشان نجات دهنده‌ای خواهد فرستاد».

اشارات دیگری که در عهد عتیق بکلمه «نجات دهنده» شده در باب ۴۳ آیه ۳ و باب ۴۳ آیه ۱۱ و باب ۴۵ آیه ۱۵ و باب ۴۵ آیه ۲۱ و باب ۴۹ آیه ۲۶ و باب ۶۰ آیه ۱۶ و باب ۶۳ آیه ۸ می باشد.

ارمیا نبی در باب ۱۴ آیه ۸ نیز به یهوه خدای اسرائیل خطاب نموده میگوید: «ای تو که امید اسرائیل و نجات دهنده آن هستی».

هوشع نبی باب ۱۳ آیه ۱۴ و عوبدیا در باب ۲۱ نیز کلمه «نجات دهنده» را بکار برده اند.

کتاب دانیال باب ۹ آیه ۲۵ درباره مسیح موعود سخن گفته و او را «شاهزاده» میخواند و پیشگوئی میکند (باب ۹ آیه ۲۶) «پس بدان و بفهم که از صدور فرمان بجهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا ظهور مسیح رنیس هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود...»

بطوریکه آشکارا از مطالب فوق معلوم میگردد کتاب عهد عتیق هیچ وجه تا زمان اسارت قوم اسرائیل که بابریانیان تماس حاصل نمودند هیچ

اشاره‌ای به کلمه «مسیح» یا «نجات‌دهنده» نمیکند.

۶- ستاره‌شناسان و مجوسیان خاورزمین

با در نظر گرفتن توضیحات فوق مایه شگفتی نیست که در باب دوم انجیل متی میخوانیم که هنگام تولد عیسی مجوسیان یعنی ستاره‌شناسان خاورزمین با هدایای گرانبها و پیشکش‌های خود یعنی «طلا و گندر و زمر» بزیارت و پرستش کودک شتافتند. خواه این روایت انجیل متی درست یا نادرست باشد داستان سفر مجوسیان بخاور بخوبی نشان میدهد که ایرانیان انتظار ظهور نجات‌دهنده‌ای از نژاد پادشاه و پیامبر را داشته‌اند.

۷- داستان تولد عیسی

نفوذ عقاید میتراپرستان یعنی زردشتیان در عقاید اولیه مسیحیت بقدری زیاد بود که تا پنج سده پس از پیدایش مسیحیت پیران کلیسا هنوز میکوشیدند تا عقاید میتراپرستی را از عقاید مسیحی تفکیک نمایند. در سپیده‌دم مسیحیت میتراپرستی یعنی دین زردشت رواج زیادی در میان نجبا و ژنرال‌های رومی داشت درحالیکه مسیحیت میبایستی با دشواری راه خود را هموار نموده و عقاید تازه خود را در دلهای میتراپرستان پیشین و مسیحیان بعدی امپراتوری روم استوار سازد. همینکه مسیحیت تدریجاً در قلوب رومیان نفوذ کرد میبایستی لزوماً بعضی از عقاید مورد علاقه میتراپرستان رومی را در خود راه دهد و از این رو کم کم بعضی از عقاید دیرین میتراپرستان رومی را با مسیحیت تلفیق نمود. یکی از این عقاید تلفیق

شده تاریخ تولد عیسی است که در تاریخ تقویم زولیان روز ۲۵ دسامبر روز تحویل آفتاب از زمستان به بهار قیدشده و آنرا روز تولد خورشید میدانسته اند زیرا در این هنگام روزها دراز شده و گرمی آفتاب از این زمان بعد زیادتر میشود.

در انجیل متی میخوانیم که هنگام تولد عیسی فرشتگان در بیابان بر شبانان ظاهر شدند. مسلماً در ۲۵ دسامبر یعنی در شدت سرما شبانان فلسطین نمیتوانستند در بیابان به چراندن گله های خویش مشغول باشند و آن سرمای سخت را تحمل نمایند. بنابراین تاریخ تولد عیسی بایستی در موقع دیگری بوده باشد که بعدها بخاطر میتراپرستانی که به نیایش آفتاب و جشن و شادی در این روز عادت داشته اند تغییر یافته است. تحقیقات دانشمندان باستان شناسی مسیحیت نیز همین امر را ثابت مینماید.

۸- سرودهای مسیحی

چنانکه یاد شد میتراپرستان رومی یا رومیان زردشتی مذهب در سپیده دم مسیحیت در روم بسیار بوده و نفوذ بسزائی داشته اند. این میترا پرستان سرودهای دینی بسیاری که از ایران بدانجا رسوخ یافته بود در نیایش اهورامزدا و خورشید و غیره داشته اند. وقتی کلیسای نخستین در روم بنیاد نهاده شد رهبران کلیسا متوجه شدند که میتراپرستان سرودهایی از خود دارند در حالیکه کلیسای مسیحی آنروز اصلاً سرودی نداشت. خواندن سرود برای میتراپرستانی که مسیحی شدند جزء لوازم حتمی نیایش خداوند بود و از اینرو آنگنگ سرودهای زردشتیان را با کلمات

تازه‌ای متناسب با دین تازه مسیحیت تلفیق نموده و مورد استفاده قرار دادند.

باید دانست که تصنیف‌ها و سرودهای مذهبی یونانی و مصری متداول در آغاز مسیحیت بقدری خارج از اخلاق و مبتذل و غیرروحانی بوده که باروح کلیسای اولیه مسیحی سازگاری نداشته‌است. پس تنها راه انتخاب آهنگ سرود برای کلیسای مسیحی آن بود که آهنگ و مضامین سرودهای زردشتی میترائی را با تغییری در فحوای آن متناسب با افکار روحانی کلیسای مسیحی برگزینند.

تردیدی نیست که از توضیحات فوق بخوبی میتوان پی برد که ایران کهن در دین یهود و مسیحیت نفوذ بسزائی داشته اما سهم عظیم تمدن و فرهنگ ایران در یهودیت و مسیحیت چیزی از ارزش و عظمت ادیان مزبور نمی‌کاهد. برعکس این امر ثابت میکند که بنیادگذاران و پیشروان یهودیت و مسیحیت با کمال واقع‌بینی همه نوامیس عالیه و افکار بلند مورد قبول وجدان و فکر بشری را در دین خود آورده‌اند. پس این بنیادگذاران و پیشوایان یهود و مسیحیت بهترین افکار و معتقدات و فرهنگ‌ها و روایات موجود را گلچین کرده و برای رسیدن به پیروان خود به‌ذروه کمال روحانی تعلیم و تعمیم داده‌اند.

بخش چهارم

مقایسه میان گفته‌ها و نوشته‌های زردشت و دین یهود و مسیحیت

شاید هیچ چیزی بقدر گفته‌ها و نوشته‌های مشابه و همانند متون کتب مقدسه زردشت با مندرجات کتب عهد عتیق و عهد جدید شگفت‌آور

نیست .

بدون تردید رهبران دین یهود و مسیحیت میخواستند بدانند که اخلاقیات عالی زردشت و طرز تفکر او بایهودیت و مسیحیت چه رابطه و چه وجوه اشتراکی دارد. در اینجا بعضی از تشابهات برجسته این ادیان با دین زردشت قید میگردد .

تعالیم زردشتی

تعالیم دین یهود و مسیحیت

- | | |
|---|--|
| ۱- خدا = اهورامزدا | خدا = یهوه خدای پدر |
| ۲- خدا پادشاه پادشاهان | خدا پادشاه پادشاهان |
| ۳- خدا روح است | خدا روح است (یوحنا ۴: ۲۴) |
| ۴- خدا بشکل انسان نیست | خدا بشکل انسان نیست |
| ۵- خدا خود را تا حدی به زردشت آشکار ساخت | خدا از میان بوتّه به موسی ندادارداد و گفت «من هستم خدای پدرت ...
آنگاه موسی روی خود را پوشانید زیرا ترسید که بخدا بنگرد (سفر خروج باب ۳-۴ تا ۷) |
| ۶- خدا و هفت امشاسپندان مظاهر هفتگانه - مظاهر سه گانه پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک | تثلیث مسیحیت بصورت «خدای پدر» و «خدای پسر» و «روح القدس» |
| ۷- کلمه تجسم الهی = کاهن | کلمه مجسم خدا = عیسی (یوحنا باب ۱: ۱ تا ۱۴) . |
| ۸- خدا = آفریننده همه چیز | خدا = آفریننده همه چیز |

- | | |
|---|---|
| تعالیم زردشتی | تعالیم دین یهود و مسیحیت |
| ۹- دوران آفرینش شش روزه | دوران آفرینش شش روزه (سفر پیدایش باب اول و دوم) |
| ۱۰- آفرینش جهان روز بروز انجام گرفته | خداوند هر روز يك سلسله از خلوقات را آفریده. انسان آخرین و بزرگترین |
| ۱۱- مهمترین آفرینش خدا انسان نیکوکار است | آفریده خداست. (سفر پیدایش باب اول) |
| ۱۲- آدم و حوا در اثر گناه از بهشت رانده شدند. | آدم و حوا در اثر نافرمانی از باغ عدن رانده شدند (سفر پیدایش باب ۳ آیه ۳۴) |
| ۱۳- اهریمن = شیطان | شیطان |
| ۱۴- اهریمن پدر دروغگویان است | شیطان پدر دروغگویان (یوحنا ۸ : ۴۴) |
| ۱۵- بهشت یا «پردیس» | آسمان = فردوس |
| ۱۶- دوزخ و برزخ | جهنم (دوزخ) و برزخ (سفر تثنيه باب ۲۲:۳۲) |
| ۱۷- رستاخیز مردگان | قیامت ابدان (متی ۲۲: ۲۸ و مرقس ۱۲: ۱۸ و سایر کتب عهد جدید) |
| ۱۸- داوری واپسین = روز شمار | روز داوری (مزامیر داود باب اول آیه ۶ و سایر کتب بعد از آن) |

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| تعالیم دین یهود و مسیحیت | تعالیم زردشتی |
| ابدیت روح (رساله رومیان باب ۲ : | ۱۹- ابدیت روح |
| ۷ و اول قریتان ۱۵: ۵۳ و اول | |
| تیموتاوس ۱۶:۶ و دوم تیموتاوس | |
| (۱۰:۱) | |
| خدا همه چیز میداند (مکاشفات | ۲۰- خدا همه چیز میداند و از ازل |
| (۶:۱۹) | و ابد آگاه است |
| در مسیحیت: «خدا را استهزایمیتوان | ۲۱- زردشت: «خدا را نمیتوان |
| کرد» (غلاطیان ۷:۶) | فریفت» |
| همه امور برای خیریت آنانی که | ۲۲- از بدبختی ها و ناکامی ها باید |
| خدا را دوست دارند در کار است | درس عبرت گرفت و استفاده |
| (رومیان ۲۸:۸) | نمود |
| پیش از موسی ابراهیم و اسحق و | ۲۳- پیش از زردشت سه تن پیامبر |
| یعقوب ظهور نمودند . | بنامهای ویوانگهان و اثویا و |
| | ثربتا ظهور نمودند . |
| عیسی از نژاد داود پیغمبر است | ۲۴- زردشت از نژاد پادشاه منوچهر |
| (انجیل متی باب اول آیه اول) | بود |
| عیسی از مریم باکره بدنیا آمد . | ۲۵- زردشت از باکره ای بنام «خدوا |
| | بدنیا آمده |
| در کتب عهد جدید یعنی در چهار | ۲۶- در موقع آبستنی مادر زردشت |
| انجیل معجزاتی مربوط بموقع | معجزات متعددی روی داده |
| آبستنی مریم مندرج است . | |

تعالیم زردشتی

تعالیم دین یهود و مسیحیت

- ۲۷- ستاره‌ای پیش از توند زردشت طلوع نمود
 بنا بر مندرجات انجیل ستاره‌ای پیش از تولد عیسی مجوسیان را بطرف زادگاه او رهبری نمود .
 (انجیل متی باب ۲: ۳)
- ۲۸- هنگام تولد زردشت فرشتگان آمده و کودک نوزاد را پرستش نمودند
 هنگام تولد عیسی فرشتگان بر شبانان در بیابان ظاهر شده و مژده تولد عیسی را دادند. (لوقا ۸: ۱۴)
- ۲۹- ارواح پلید و اهریمن زردشت جوان را آزار داده و آزمودند.
 شیطان عیسی را در بیابان مورد آزمایش قرارداد. (متی ۴: ۱-۱۲)
- ۳۰- زردشت پس از اینکه چهاربار از رودخانه گذشت هنگامیکه در کنار رودخانه ایستاد فرشته اعظم بر وی ظاهر شد.
 در کنار نهر اردن فرشته خداوند بصورت کبوتری بر عیسی نازل گردید. (یوحنا ۱: ۳۲)
- ۳۱- زردشت گوید: «آنکه رسالت الهی مرا دریابد از بهترین نعمات برخوردار میگردد ... و عذاب بر کسی نازل میگردد که ستمگر بدکار باشد» و نیز میگوید: «مزد حیات ابدی بر وی داده خواهدشد».
 انجیل یوحنا گوید: «آنکه به عیسی ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی خواهدیافت اما آنکه بوی ایمان نیاورد بر او حکم شده است»
 (یوحنا ۳: ۱۶)

تعالیم زردشتی

تعالیم دین یهود و مسیحیت

۳۲- زردشت: «آنچه او (اهورامزدا) عیسی: «ای خدا اراده‌تو و نه اراده در حکمت خود میاندیشد همان من بجا آورده شود.» (لوقا ۴۲:۲۲) باید بشود».

۳۳- خدا در ازل وابد چنین است (خدا) از ازل یا ابد همان است
۳۴- روح پر برکت بخشاینده همه بخشاینده همه برکات (عبرانیان ۱۳: ۸) چیزها

۳۵- زردشت: «ای خدا بجز در راستی داود در مزامیر خود گوید: و در تو روح من کجا یاری پیدا کند؟»
«خداوند شبان من است محتاج بهیچ چیز نخواهم بود.» (مزامیر ۲۳: ۱)

۳۶- زردشت: تنها آن طبیعتی نیکوست عیسی: «آنچه خواهید که مردم که آنچه بر نفس خود روا بشما کنند شما نیز بدیشان همچنان نمیدانند نسبت به دیگران روا کنید.» (متی ۷: ۱۲) ندارد.

۳۷- زردشت: «آنان را نیز همچون خود بدان و اینست دین تو.» همسایهات را چون نفس خود دوست بدار (متی ۲۲: ۳۹).

۳۸- زردشت: «چنین کسی بر بهترین مسیحیت: «پرستش پاک و بی آلایش شفیعان وارد شده و در این آنست که یتیمان و بیوه زنان را در عالم پائین برای بینوایان زن و مصیبت ایشان تفقد کنند ...»
مرد شفاعت نموده و در پریشانی (یعقوب ۱: ۲۷) یارشان خواهد بود.

تعالیم زردشتی

تعالیم دین یهود و مسیحیت

- ۳۹- زردشت: «قانون مقدس دم هر دری پیوسته بشکل برادرانت ایستاده است»
 عیسی: «آنچه نسبت یکی از کوچکترین برادران من کنی همانا درباره من نموده ای.» (متی ۱۰: ۲۴ و مرقس ۹: ۴۲)
- ۴۰- زردشت: «خداوند پشتیبان ایمان داران و بی ایمانان است.»
 مسیحیت: خداوند همه مردم این زمین را از یک خون آفریده. و نیز گوید: «خداوند باران خود را بر نیکان و بدان می باراند.» (متی ۵: ۴۵)
- ۴۱- زردشت: «شریعت خداوند قانون عدالت است.»
 عیسی: اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود.» (لوقا ۱۱: ۲ و متی ۲۶: ۴۲)
- ۴۲- زردشت: «در نخستین باری که این کردار (شهادت دروغ) انجام شود... رنج و عذاب آن همچون هر رنجی در جهان سخت خواهد بود.»
 عیسی: «خداوند کسی را که بیهوده نام او را بر زبان آورد بیگناه نخواهد دانست.» (متی ۶: ۷ و تیشنه ۱۱: ۵)
- ۴۳- زردشت: «بر ماست که اراده او را پیش ببریم تا خواسته های ما نیز برآورده شود.»
 عیسی: «اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید و اینهمه برای شما مزید خواهد شد.» (متی ۶: ۳۳)
- ۴۴- زردشت: «پس چنانچه خواست تست بر ما بشود.»
 عیسی: «اراده تو کرده شود.» (متی ۲۶: ۴۲)

- تعالیم زردشتی
 ۴۵- زردشت: ازدواج باخویشاوندان یهود: به مندرجات غزل غزل‌های
 سلیمان مراجعه شود.
- تعالیم دین یهود و مسیحیت
 ۴۶- زردشت: «زن باید دارای اصول مسیحیت: ای زنان از شوهران خود
 صحیح و فرمانبردار شوهر اطاعت کنید.» (افسیان ۵: ۲۵ و ۲۸
 خود باشد.» و کولسیان ۳: ۱۹ و اول تیموتائوس
 ۳: ۱۱)
- ۴۷- زردشت: این موجودات (فواحش) مسیحیت: زن بدکار زنده نماند.
 باید کشته شوند بدتر از ماران (لاویان ۲۹: ۱۹ و تثحیه ۱۷: ۲۳ امثال
 خزنده و گرگهای درنده.» سلیمان ۲۳: ۲۷ و مکاشفات ۱۰: ۱۷)
- ۴۸- زردشت: آنکه پدر را بهدر دهد در مسیحیت نیز چنین است.
 زادوولد و اولاد را نابود ساخته
 است.»
- ۴۹- زردشت: «لواط‌کار در نزد خدا در مسیحیت نیز چنین است.
 پذیرفته نمیشود.»
- ۵۰- زردشت: «رباخواری در میان یهود: «نقره خود را بسود نمیدهد و
 دین‌داران نباید باشد.» رشوه بر بیگانه نمی‌گیرد.»
 (خروج ۲۲: ۲۵ و مزامیر ۵: ۱۵)
- ۵۱- زردشت: «پاکی پس از زندگی عیسی: «خوشا بحال پاکدلان زیرا
 بزرگترین برکات است.» ایشان خدا را خواهند دید.» (متی
 ۵: ۳)

- تعالیم زردشتی تعالیم دین یهود و مسیحیت
- ۵۲-زردشت: «آنکه پیوسته خود را «تکبر پیشرو هلاکت است». (امثال
 بچشم دیگران بکشد هربار که سلیمان ۱۶: ۱۸)
 چنین کند روحش از گناه گرانبار میشود.»
- ۵۳-زردشت: «واین نیز که درمورد «در اندیشه فردا مباحثید» (متی
 این جهان نباید متحمل نگرانی و ۶: ۳۴)
 اندیشه شد.»
- ۵۴-زردشت: «باشد که آرامش «صلح و آرامش ماورای ادراک»
 روح پایدار بدست آورم.» (فیلیپان ۷: ۴)
- ۵۵-زردشت: «اگر کسی دیگر نیز «آنکه توبه کند و تعمید یابد نجات
 گناه کرده باشد با توبه بخشوده یابد .
 میشود.» ولی آنکه توبه نکند ملعون است.»
- (اعمال رسولان ۲: ۳۸ و مرقس ۱۶: ۱۶)
 . (۱۶)
- ۵۶-زردشت: «بوسیله دین خدا تمام «اینست بره خدا که گناهان جهان را
 گناهان او بخشوده میشود.» بر میدارد» (یوحنا ۱: ۲۹ و ۳۶)
- ۵۷-زردشت: «اگر کسی استطاعت بداستان دوفلس بیوه زن مراجعه
 نداشته باشد از مرد خدا پرست شود (لوقا ۲۱: ۳ و ۲)
 عدالت توقع نمی رود.»

- تعالیم زردشتی
- ۵۸- زردشت: «آنکه با کلام مقدس شفا دهد بهترین شفا دهندگان است.»
- ۵۹- دین زردشت: «ندای آنانیکه دم مرگ اند.»
- ۶۰- زردشت: «مامایم شادی میکنیم و جان می سپاریم.»
- ۶۱- زردشت: «تازه کردن و پاک کردن مجدد آفریدگان نیک خدا و در رفتار پاک و پرهیزکارانه ثابت قدم داشتن آنان سبب جاودانی شدن آنان است.»
- ۶۲- زردشت: «اگر تو مرا چون درخت از گزند ایمن داری.»
- ۶۳- زردشت: «آنکس که در آن هنگام در پی تن است نمیتواند روح خود را نجات بخشد.»
- تعالیم دین یهود و مسیحیت
- معجزات عیسی و حواریون وی
- «ای قبر پیروزی تو کجاست؟» (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
- «ای مرگ نیش تو کجاست؟» (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
- «حیات جاودانی در فکر روحانی است و مرگ در فکر جسمانی است.» (رومان ۸: ۶)
- درخت حیات در باغ عدن (پیدایش ۲: ۹)
- عیسی: «از قاتلان جسم که قادر برگشتن روح هستند بیم نکنید بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم.» (متی ۱۰: ۲۸)

- تعالیم زردشتی ،
 ۶۴-زردشت : «آنکه روح را نبرده
 هیچ نبرده است.»
 تعالیم دین یهود و مسیحیت
 عیسی: «شخص را چه سود که تمام
 دنیا را ببرد و جان خود را ببازد.»
 (متی ۱۶: ۲۶)
- ۶۵-زردشت: «از همان گناه او کیفر
 وی نیز میرسد.»
 یهودیت و مسیحیت: «گناه شما شما
 را در خواهد گرفت.» (سفر اعداد
 ۳۲: ۲۸)
- ۶۶-زردشت: «هیچکس را بدون
 امید بهشت مدان.»
 «حکم نکنید تا بر شما حکم نشود.»
 (متی ۷: ۱)
- ۶۷-دین زردشت: نماز مخصوص
 آرامش روح مردگان در دوزخ
 و برزخ.
 در مسیحیت نیز همین مراسم
 وجود دارد.
- ۶۸-دین زردشت: «مردگان بر میخیزند
 جان بر تن آنان دوباره
 میرسد و بار دیگر نفس خواهند
 کشید.»
 مسیحیت: رستاخیز مردگان
 (یوحنا ۵: ۲۹ و اعمال رسولان
 ۲۳: ۶ و ۲۴: ۱۵)
- ۶۹-زردشت: «هریک از اینان را که
 آفریدم از رستاخیز برایم
 دشوارتر بود.»
 قدرت خدا در زنده کردن مردگان
 (یوحنا ۶: ۴ و اول قرنتیان ۶: ۱۴)
- ۳۰-زردشت: «تمام جهان از پیری و
 مرگ و فساد و خرابی تا
 جاودان رستگار میشود؟»
 به مکاشفات یوحنا در باره روز
 واپسین مراجعه شود. (مزامیر ۵: ۱ و
 مکاشفات ۷: ۱۶ و ۱۹: ۲)

تعالیم زردشتی

تعالیم دین یهود و مسیحیت

۷۱- زردشت: تطهیر زمین بوسیله عیسی: «آتش عمل هر کس را خواهد گداخته شدن در آتش آزمود.» (مرقس ۸: ۹) و اول قرن ثانی ۳: ۱۳ و یهودا باب ۷)

۷۲- در آخر زمان اهریمن نابود میشود. مسیحیت: «پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد» (اول یوحنا ۳: ۸)

فهرست منابع و مآخذ

- 1— Anthropology Today, An Encyclopaedic Inventory, by A. L. Kroeber, Printed by the University of Chicago Press, 1957 Edition.
- 2— Article by Professor John W. Draper of the University of Virginia on Christian Hymns, in Commemoration of Cyrus the Great, 1962.
- 3— A Study of Magic and Religion, by Sir James George Frazer, 3rd edition, 1936, Macmillan and Co., London .
- 4— Avesta, The Religious Book of the Parsees, by Arthur Henry Bleek, in three volumes, published by Hertfor, 1864 .
- 5— Avestan Language, Study and Teaching, in possession of The British Museum Library, in several volumes.
- 6— Dawn and Twilight of Zoroastrianism, by R. C. Zaehner,
- 7— Divine Songs of Zoroaster, by J. S. Taraporewala, Printed in Bombay, 1951 .

- 8— Our Own Religion in Ancient Persia, by Prof. L. H. Mills, 1913 .
- 9— Great Saviours of the world, by Swami abhedanada, Printed by Ramakrishna Vedanta Math, Calcutta, India, 2nd Edition, 1957.
- 10— Oriental Studies, A collection of books in possession of the British Museum library .
- 11— Persia, Past and Present, by Prof. Jackson .
- 12— Sacred Books of the East, Vol. IV, by P. Max Muller .
- 13— The Book of Avesta, English and Persian Translations.
- 14— The Ethical Religion of Zoroaster, by M. M. Dawson, LL. D., The Macmillan Co., New York, 1931 .
- 15— The Gathas, or Religious Songs of Zoroaster, Persian and English Translations.
- 16— Old Testament and New Testament books referred to in the text of this book .
- 17— Zoroastrian Credo, by G. K. S. Shavaksha, printed in Bombay, 1962

